

پس از اینکه در شهر تبریز روسیات بدون مانع بقتل عام پرداختند و مسلم شد که حکومت حرفیه شمالی مملکت ایران را افسران روسی بکف دارند چگونه تصور توان نمود که بتوانند مشروطه خواهان در نقاط شمالی ایران بپرق مشروطیت را بلند دارند و این نکته اهم بلکه علت الملل است که تا امروز دولت ایران نترانسته و اقدام نموده است در افتتاح مجلس و انتخاب وکلاء جدید

این ایام آثار مینمایند که محمد علی مجدداً تدارک ورود با برابری بیند، چنانچه خبر رسیده که مشارالیه زاده به طرف کراسیاد حرکت کرده است و این نکته را فراموش نباید کرد که ساگذشته مدت قلیلی قبل از ورود ایرانیان عیناً همین حرکت را نمود و حتی القدر روسیان سانی اند که نگذارند سپهدار انظم به فرمانروائی آذربایجان و بسیار آید تا در تبریز حکومت قبضه ظرفداریات محمد علی باقی ماند، مجمل السلطان که يك از حامیان شاه مخلوع و زمامیکه محمد علی را از تخت فرود آوردند در سارنخاه روس بنامید و بشرط اینکه مجدداً با ایران باید اخراج شد و قرار بر این یافت اگر مجدداً با ایران عودت نماید و مرتکب مخالفت با دولت شود دولت روسیه ایداً بنامندگی او را قبول نخواهد کرد بلکه گرفته تسلیم ایرانیان خواهد ساخت این ایام در عمارت بیلاتی قونسل روس در تبریز قیام نموده و سامنده شده است و این یکی از خلاف کاریهای قانونی مامورین روس در ایران است. و این را هم باید دانست که تا آخرین موقعیکه سالارالدوله شکست کامل یافت مجمل دوغری ایران تحت امر وی با دولت جنگیده است و این هم افواه است که سالارالدوله نیز عنقریباً با مجمل السلطان در آذربایجان ملاقات خواهد نمود. با این زمینه ایکه کشیده شده و تأییدیکه دولت روس به هواداران محمد علی میدهد هیچ مشکل نیست و خلی از تصور نمی باشد که محمد علی مجدداً ایرانیان عودت نماید و هیچ چیز مانع ورود وی با ایران نتواند گردید جز تأییدات اخلاقی انگلستان لارد مولی در دارالاعیان و سرادورد گری در دارالشورای ملی انگلستان صریحاً بیان نموده و وعده کرده اند که به هیچ وجه محمد علی را دولت

انگلیس به سلطنت نتواند شناخت و تصور نمی شود که دولت انگلیس از چنین قول صریح و وعده حسی که نموده باز آید. دولت انگلیس باید بداند اگر محمد علی به ایران عودت نمود و به سلطنت ایران شناخته شد شاهنشاه ایرانیان نتوانست گفت بلکه نایب السلطنه روس باید خواند و ایران را یکی از صوبجات روس باید قرار داد

شجاع الدوله که يك از مستبدین و بحکم محمد علی تبریز را محاصره نموده بود در آنوقتیکه قشون روسیه با ملت خواهان در سنیز و اویز بود بقوت قشون روس وارد شهر گردید شجاع الدوله به کک قشون روس صدها و طر خواهان را بدار اعدام زد و خانه های شان را سوزانید و صدها محرمین ملت خواه که فرار نموده بودند املاک شان را بسازش روسیان ضبط نمود و اگر در تمام مملکت آذربایجان کسی نام مجلس را زبان آورد شجاع الدوله از دم تیغش می گذراند. اینک همین شجاع الدوله بصلاح و کک قشون روس اردو برای سرکوبی آن فری شاهسون گسیل می دارد که تاکنون تابع و مطیع اوامر دولت مشروطه ایران بوده اند و اطفال و زنان بیگناه آنها را از دم تیغ می گذراند و بجز آنها را وادار می حوآمد بنماید که محمد علی را بطرف ایران طلب نمایند

از طرف دیگر دیده می شود که قشون روس در صوبه خراسان اندک اندک زیاد شده قصد توقف دائمی خود را ظاهر میدارد. چنانچه امانت متبره برای قیام گاه خودشان احداتی نمایند و عنقریب دیده خواهد شد که بدولت ایران خواهد قبولاند که يك قزاقخانه ایرانی بافسری روسیان مثل آذربایجان در صوبه خراسان وگیلان هم تشکیل یابد و دولت ایران هم به امیدهای عرقونی قبول خواهد نمود. ولی ذره از مظالم روسها کاسته نخواهد گردید. صریحاً زمینه که روسها دارند می ریزند این است که کلیه مالک شمالی ایران یعنی آن ضاطی که بر حسب معاهده ۱۹۰۷ تحت نفوذ روس تسلیم شده تشکیل حکومت مستبده تحت نیابت سلطنت محمد علی بدهند در آنصورت انگلیس در جنوب چه خواهند کرد معلوم نیست چه اگر انگلیس هم مانند روس در منطقه نفوذ خودشان تشکیل يك حکومتی بدهند

زیانات سیاسی و اقتصادی و سرحدیش برای آنها زاید از بیان است، ولی با وضعیکه سرادوردگری تسلیم بخواهشات روس از رعب آلمانی شده بیش آمد این امور را قریب‌الیقین ظاهر مبدارد، البته اگر انگلیسان بهمین سلسله چندساله خودشان باقی مانند یقیناً خواهند دید آن و خاتمه‌های را که صد سال است از او ترسان بودند و هستند اگر خلی به استقلال ایران وارد آید نه تنها راه حله براند برای روس صاف میشود بلکه رقیب بزرگ‌امروزه انگلیس هم که آلمان باشد پیش از پیش قوت گرفته با روس متحد آمده تهدیدات دائمی بر هندوستان خواهند نمود، و این مسئله از بس نوشته شده تکرارش مورت اشمناز است

هرگاه سلسله راه آهن ماورای ایران بین روس و انگلیس تصویه یابد باید تسلیم نمود که نقشه دولین در منطقه نفوذ خودشان همانست که نکاشتیم یعنی هر یک یکی از طرفداران خودشانرا بنام حکومت بر خواهند کاشت و نقطه بیطرف را هم از حالا انگلیسان دارند تحت نفوذ خود بیرون می آورند، چون روسها بر بر برده اند فعلاً در مداخلتهای انگلیسان در نقطه بیطرف ساکت اند و موقع محاجه و پیش قدمی را برای وقتی قرار داده اند که نقاط شمالی را کاملاً قبضه خود در آورده باشند، مسلم است در آنوقت انگلیسان نه تنها در نقطه بیطرف نجات پیدا نتوانند نمود بلکه در مقابله روسیان در جنوب هم اسقامت نتوانند ورزید

صلاح ایرانیان در این است که اگر صریحاً انگلیسان از همراهی آنان اجتناب نمایند با روسیان ساخته خود را پیش ازین بمهالک نیاندازند و اگر انگلیسان به تأییدات اخلاقی آنها قیام کرده متحد شده تا زود است هر قدر ممکن شانس شود بقطع نفوذ روس از نقاط شمالی بکوشند. چه نفوذ سیاسی يك دولت مقتدر در يك مملکت ضعیف حکم میکروپ سمی را دارد دولت ایران هم باید بداند که هر قدر به امید و نوید بمجوزات و خواهشات روس تسلیم شود ذره از مظالم روس و فشارهای غیر مشروع آت بخواند کاست، بلکه هر قدری که بردارد بر قوت وی خواهد افزود و هر قدری که

یابد مظالم خویش را زیاد خواهد کرد، چه قدر خوب می گوید یکی از سباهی منشان (چهار قدم در جلو کشته شدن بهر از دو قدم عقب است) ترجمه از روزنامه صباح (منظومه اسلامبول)

مظالمیکه در تبریز و مشهد مقدس و مراکو از اروپائیان نسبت به مسلمانان بش آمده ورد زبان هر مسلم و داغ گذار جگر عامه مسلمانان است هزاران زن اسلامیه بیوه و هزارها اطفال مسلمین بی پدر و نیم گردیده اند، از این سر تا آن سر عوالم اسلامیت را صدای ناله و فریاد بلند است. مجالس بی شمار منعقد و اظهار ملالت از دست درازیهای غاصبان اروپا نموده اند، رعایای اسلامی که تحت اوامر دول اروپا زندگانی می نمایند از دول متبوعه خود عاجزانه استدعا کرده که دخالت نموده مسلمانان را از این مظالم بیدادانه نجات بخشیده مراعات نمایند جذبات مذهبی و مراسم اسلامیه را ولی بد بختانه صدای مظلومانه مسلمین بر قلوب دول موثر نیافتاده حقوق آنها پایمال و جذبات شان بی اثر و استغاه های شان رد گردیده است

در این موقع شبها بخاطر خطور می نماید که چرا دول اروپائی هیچ گونه از جذبات رعایای اسلامی خویش متأثر نمیگردند؟ ولی چون يك نظر سرسری بعوالم اسلامی شود علت آت را خود بخود خواهیم فهمید یعنی مسلمانیکه تحت رعایت دول سابره واقع شده اند از حقوق سیاسی و مراتب پولتیکی بی بهره و فقیر اند و ابداً مطالعه در نقشه سیاسیات امروزه نه نموده اند و بیشتر مبتلائی به مناقشات مذهبی و جنک وجدلهای خانگی و عشق میباشند، از این رو در عوالم پلتیک در انظار دول متبوعه خود شان هیچگونه وقت و چستی حاصل نکرده اند، حق این است که مسلمین رعایای دول سابره مستقلاً از ثبوت هستی و وجود خود در نزد دولت متبوعه خویش عاجز و قاصر مانده اند هرگاه مسلمانان در هر نقطه و تحت امر هر دولت که هستند حیثیت و وجود خودشانرا ثابت و مدال کرده بودند یقیناً استغاه های آنها درباره مظالم بر اسلامیه موثر واقع می گردید، و این نقیصه ایست که هیچ يك از دانایان رموز انکار نتوانند سکرد، اقوام محدوده

همین قدر که حیات پلینکی خودشان را بر دولت خود مدال داشتند حیثیت و مقام خویش را حفظ توانستند نمود، ولی ملل عظیمه و اقوام بزرگمانند مسلمین که در شرق و غرب عالم منتشر و پراکنده گردیده‌اند تا وقتی که روابط خویش را با سایر برادران خود در هر نقطه که هستند قائم ندارند نه میتوانند همتی خودشان را در نظر دولت متبوعه خویش مدال سازند، و نه استغناءهای آنان را هیچگونه اثری بر آن دولت عاید تواند گردید.

قومیت مسلمانان نسبت به سایر اقوام جداگانه است یعنی مسلمانان به حیثیت مذهب با اینکه در تمام عالم منتشراند یک قوم و یک ملت شناخته می‌شوند، بود و باش در هر آب و هوا و بودن از هر نسل و تحت امر هر حکومت و پای بند به مراسم و هر عادت و هیچ گونه خللی در قومیت مسلمانان پیدا نتواند نمود. مسلمانانیکه زیر دیوار اعظم چین اند با مسلمینیکه قرب دریای ظلمات افریقه سکونت دارند آت گونه همدردی عمیق با یک دیگر دارند که آحاد و افراد فرانسه و آلمان در یک رقبه محدوده باهم می‌نمایند از این رو دایره قومیت مسلمانان خیلی وسیع است و از اینروست که باید مسلمین تحت امر هر دولت که باشند نسبت به سایر برادران اسلامی خودشان دو برابر قوت خویش را ظاهر دارند، ولی این نکته را هم باید دانست که مسلمانان سائره از یک فرقه اسلامی به آن طاقت قوی را مستعار نتوانند نمود، چه مسلمانان خارجه در موقع ابتلای یک ذبقة از اسلامیات دور و دست جز همدردی زبانی فائده دیگر نتواند رسانند، لذا آن طاقت قوی را باید بدو دو هر مایه و هر فرقه مسلمین در احاطه خود حاصل نمایند، پیدا نمودن چنین قوت برای بقای قومیت محور شناخته شده و هر قوم که دارای چنین محوری نباشد بقای حیثیت و حیاطت بطریق دائمی غیرممکن است، چه بدون چنین محوری هر اقدامی خاتمه با فسرده می‌شود، و هیچ اقدامی را انجام نتواند داد.

دو فلسفه حیات ملی از مسلمات اولیه است که هر قوم خواهان بقای قومیت و همتی خویش است باید یک خیال عالی و فکر وسیعی را همواره در جلو خویش جلوه‌گر دارد علاوه برین بنای قومیت بر آنست که افراد آن قوم تا یک دنیا متحد گردند و قوت خود

را بدسته بندی ضایع نموده در اصول ترقیات با یک دیگر مخالفت نه نمایند و اختلافات فروعیه خویش را محدود سازند و نیز برای نشو و نمای چنین قوت تعلیمات عمومی آن قوم اول به شناخته شده لازم نیست که تمام افراد یک قوم در بیانه بسیار عالی تعلیم یابند ولی لازم است آحادیکه تعلیمات عالی یافته‌اند سعی و کوشش کنند بلکه زندگی خویش را وقف نمایند بر اینکه قلوب عامه را منور و مایل بطرف تعلیمات ضروری سازند. هیچ قوم نباید که در اساس تعلیمات ملیه خویش اعتماد و اعتبار بحکومت خود نماید بلکه لازم است بیای خود در تعلیمگاه عمومی مستقیم ماند. امر از همه برای تقویت قومی آنست که تمام افراد آن قوم منتهای جد و جهد را نمایند در پیدا نمودن افراد و آحاد کامله و لایحه از خود تا آن قوم بتواند شعبات تمدن را از روی صحت به بیاید. مثلاً برای تقویت یک قوم لازم است افرادی در آنها پیدا شود که در علوم طبیعی و شعبات فلسفه دارای مهارت نامه باشند و این قدر در آن قنون دارای وسعت افکار شوند که نتوانند هرگونه صنایع را در آن قوم و ملت بکار اندازند و آحاد دیگر از آن قوم باید مستغرق در سیاسیات و قوانین بین المللی گردند. غرض این است که برای بر نمودن شعبات تمدن لازم است در آن قوم افراد بکثرت دستیاب گردند. پیش از همه برای تقویت قومیت لازم است ماده که بتواند جلب ثروت نماید و آحاد آن قوم را بطرف تجارت و صنعت سوق دهد، این نکته را هم دور از نظر اهمیت نباید داشت که برای بقای قوت قومیت لازم است افراد و آحاد را تا اندازه مذاق سیاست و پولتیک پیدا شود که حقوق خود را بشناسند و در موقع حفظ آن بیای استقامت به ایستند.

پیروی از مواد مذکوره چیزی است که یک قوم پزمرده و افسرده را در منتهای سرعت میتواند حیثیت و زندگی تازه و سرشار بخشد لذا بر جمیع طبقات اسلامی پایه بندی بر این مواد لازم است تا بدو آواز آنان در دایره حکومت خودشان دارای اثرات کامله گردد و از آت بعد دایره خیالات خود را وسیع تر نموده و سرگرمی دران ظاهر دارند تا نتوانند خودشان را در طایفه اقله

ترقی یافته بشمار آرد۔ هرگاه تصورات يك قوم به پیشرفت مقاصد مذکوره قومیت نباشد نباید شکایت کنند از حکومت متبوعه خودشان که چرا آواز استغانه آنان بی اثر مانده است۔ و نیز نمی توانند شکایت نمایند که چرا همدردی های آنان نسبت به اقوام ساپره بی نتیجه و فایده می ماند۔ چه از قوانین طبیعی قدرت است که هر قوم ~~که~~ پای بندی در اسباب بقای قومیت و ترقی خود نمی نماید سایر اقوام هم توجهی به استغانه های آنها نمی میکنند مسلمانان باید بدانند ان عظمت و اقتداریکه در آنها یادگار مانده و اینک بطریق رجز و مثل ذکر می شود و امروزه از مقتضیات ترقی اقوام حاضره بی بهره بلکه بی اعتنا و توجه اند آواز آنها و همدردی های شایسته در ماده حفظ حقوق خویش و سایر برادران خود بی اثر و نتیجه می ماند۔ بر عکس اقوامیکه دارای تمدنه تاریخی نباشند ولی پای بند عواد ترقیات کنونی گردیده در هر آواز و صدائیکه از آنها بلند گردد بسی بر قوت احساس می شود و مجبوراً دول ساپره صدای ان قوم را بگوش شنوا مداخله می کنند۔ هرگاه مسلمانان می خواهند ~~که~~ در آواز آنان اثری پیدا شود باید کارنامه های گذشته را ذکر نه نموده زندگی امروزه خویش را مانند سایر اقوام حیه بشیون پیوندند و در نه تمام همدردیهای آنان در معاملات دردانگیز طرابلس و مراکو و ایران بی اثر و بی فایده مانده و خواهد ماند۔ چه خداوند تبارک و تعالی در کلام مجید خود میفرماید اِنَّهُ لَیْبَرِ مَا یَقُومُ حَتّٰی یَنْهَیوْا مَا بَیْنَهُمْ

دستخط والا حضرت نیابت سلطنت و هیئت

(وزراء در برقراری خزانه داری کل)

(مسیو مونارد بلژیکی)

نام نامی اعلیحضرت قویشوکت اقدس هاپون شاهنشاه سلطان احمدشاه قاجار خدایه ملک و سلطانه نظر بقانون ۲۳ جوزا تنکوزئیل و نظر به لزوم تعیین یککثر خزانه دار کل موافق پیشنهاد وزیر مالیه و تصویب هیئت وزراء عظام مقرر میداریم ماده اول۔ (مسیوزاک ژزک مرنار) مدیر کل کُرک بخزانه داری کل مالک محروسه منصوب میشود ماده دوم۔ مسیومرنار باین سمت تمام اختیارات

را که در قانون ۲۳ جوزای تنکوزئیل معین است دارا خواهد بود و این اختیارات را در تحت حکم وزیر مالیه موافق نظامنامه های اداری که خزانه دار کل با موافقت رای وزیر مالیه ترتیب خواهد داد و بتصویب هیئت وزراء عظام خواهد رسید و بموقع اجرا خواهد گذارد

ماده سوم۔ خزانه دار کل مدیریت کل دوائر مختلفه وزارت مالیه را چنانکه در قانون فوق الذکر مندرج است بانضمام اداره گمرکت بهره خواهد گرفت و دوائر مزبور راه موافق ماده دوم تنظیم و تنسیق خواهد نمود

ماده چهارم۔ خزانه دار کل مراقبت مخصوص خواهد نمود که کلیه تعهدات مالیه را از قبیل تزییل یا استهلاك یا تادیه دیون دولت و مقرری و مدد خرج و حقوق فوق العاده و استصوابی و هر نوع تخصیصات دیگر را که راجع بخارجیه و حقا برعهده دولت است بشرايط و مواعید مقرره بدون تخلف ادا نماید

ماده پنجم۔ در مدت مأموریت مسیو مرنار بسمت خزانه داری کل سالی معادل بیست هزار فرانک از طرف دولت کمک خرج بمشار الیه اعطای خواهد شد و این مبلغ علاوه بر حقوق سابق مشار الیه است

ماده ششم۔ وزیر مالیه مأمور اجرای این دستخط است

ابوالقاسم
صمصام السلطنه رئیس الوزراء
ابراهیم معاون الدوله وزیر مالیه
شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۰

- (دستخط نیابت سلطنت به هیئت وزراء)
- (منیاب تحقیق گرفتاری روساء حزب)
- (دموکرات و غیره)

در این اواخر وزراء عظام اطلاع از تریسه انقلابی حاصل کرده بعضی را سبب شمرده و صلاح مملکت را در تبید آنها دانسته بودند این جانب ابدأ داخل در شرح تحقیقات وزراء عظام در این باب نشده و چون مسئله مهم و وظیفه قانونی وزراء بود جلوه این جانب در ردیا قبول البته موجب مسئولیت

و خلاف وظیفه میشد، چون بالاخره باید قرار می دادند در امر آنها داده شود و در نظر این جانب هم بود که توجه وزراء را باین مسئله جلب نماید اگر این اقدام بعد از مسافرت اینجانب شود این ضور در انتظار جلوه خواهد کرد که حضور این جانب مانع بوده است خصوصاً که در افواه عامه و بعضی جراند نیز نسبت تصمیم اقدامات سابقه را برخلاف حقیقت با اینجانب داده اند میل دارم وزراء عظام قبل از حرکت این جانب هر ضور صلاح می دانند تجدید و تدقیق نظری در این باب بعمل آورده عقیده خود را اظهار دارند ناموقع سوء کتوبی نماید

(دولت علیه ایران و افغانستان)

(نقل از روزنامه سراج الاخبار منطبقه کابل)

(شماره ۱۸)

در بسیاری از صحائف اخبارها مسئله تجاوز نمودن عساکر دولت علیه خداداد افغانستان بر حدود ممالک دولت علیه ایران از جهت سیستان درج و انتشار یافته است که همه آنها از حقیقت حال بجزیره بسط مقال نموده اند. لهذا بنابر رفع کردن شبهات و تصحیح نمودن روایات مبالغه صفات به ایضاح کیف لزوم دیدم این بمعلوم همه گانست که در این اوقات اخیره بسبب اختلافات عظیمه داخله که در ایران بوجود آمده و می آید یک حکومت حاکمه که در هر طرف مالت قوه اجرائیه خود را بصورت فملانه اجرا بتواند موجود بود در اضراف و جوانب ملک جته ها یعنی جاه های خود سرب بی حجام بعضی بنام طرفداران شاه و بعضی بنام حریت پرست ها علمهای شقاوت و بغاوت را بر افراشته اند چنانچه بختیارها و سالارالدوله ها و غیره مقالهای ظاهری و آشکار آنت.

این هم معلوم است که ملک (سیستان) بر دو حصه منقسم است یک حصه ملک آت ضمیمه ملک افغانستان و یک حصه آن ضمیمه ملک ایرانست، چندی پیش ازین مردمان سرحدی که در علاقه سیستان ایرانی میباشد مرکب از چند جاعلهای مسلح شده از حدود تجاوز نمودند و بر مردمان سرحدی سیستان افغانی هجوم و حمله بردند، یک

دوقلمه رعایا و بقدر ده بازده نفر از مردم رعایای افغانستان را مقتول و مجروح نموده مال و اشیاء بسیاری نیز بغارت بردند دولت علیه افغانستان بجز اینکه یکمقدار عسکر و دو قطعه توپ بر سرحد مذکور برای محافظه حدود مملکت خود از تجاوزات شقاوت کارانه گروههای سرسری بغاگر فرستد و مملکت خود را مدافعه کند. و اشتیاقاً تشکیل و تقیب نماید و یک وضعیت تدافعی بگیرد دگر بهیچ گونه حرکت تجاوزی اقدام نموده است

اما عجب تر اینکه از تجاوزات ذوایف مسلح خود سر بیحاکم ایران برخاک افغانستان هیچ کس بجی و بیانی در میان نیاورد و نهمت تجاوز را بر وضعیت تدافعی افغانستان نهادند. حال آنکه اگر بدیده انصاف و حقیقت نظر شود معلوم میگردد که دولت علیه خداداد افغانستان درین مسئله تاج درجه حزم تحمل بکار برده است

(ایضاً در شماره ۲۱)

چندی میشود که بسیاری از اوراق جزایذ عام یک نشانه جزیه سرحدی سمت غرب جنوبی افغانستان را ایران را سرمایه مقال اتخاذ کرده بی حدس ها و قیاس های عجیب و غریب حکایت و روایت نمودند. بعضی گشتند که دولت افغانستان فرصت را ندیده دانسته ضم و الحاق نمودن خطه (سیستان) را بتمامها بمالک دولت علیه افغانستان مصمم نموده است، حتی بعضی از ارباب رأی این مسئله را بر موافق قانون (مجادله خیانت) دانسته خیلی طبعی و ضروری هم پنداشتند بعضی از پیش رفتن عساکر نظامی افغانستان در خاک ایران بکمال کامیابی و ایلاموانع و مزاحم بحث راندند، و الحاصل هر کس یک فرض و تخمینی در میدات نهاده اوراق حوادث را بیک واقعه جدیدی و سرمایه یافتن قیل و قال مدیدی منتظر و امیدوار نمودند. اگر راست بگوئیم ما را نیز اینواقعات ولوله انگیز اخبار ها بفکر ها و اندیشه های دور و درازی انداخت، احوال جغرافی و تاریخی و خریطه سیستان را در زیر نظر مطالعه در آوردیم، سیستان را یک خطه واسعه منته در جهت جنوب خراسان یافتیم، نصف غربی آنرا

یکقطعه مکتوب والی یعنی نائب الحکومت هرات نیز دستیاب شده بداره خواهم فرستاد که اگر بفرستد تنها درج آن مکتوب از همه این واقعه که بسی تخمینها و قیاس های اوراق حوادث را سبب شده است قارئین کرام را بحقیقت مسئله وهبری میباشد اصل حکایت را نامه نگار ما از چخانسور چنین مینویسد

(سردار خداداد خان سیستانی)

که یکی از سرداران صاحب نفوذ سیستانی ایرانی میباشد بتاریخ یکم ماه جمادی الاول با بسی از اتباع خود از حدود تجاوز نموده و بر قریه (وادپله) واقع (قلعه فتح) خاک افغانستان هجوم برده اموال یکصد خانه وار رعای دولت علیه افغانستان را بتاراج و یقا بردند . و به اینهم قناعت نکرده بر عرض و ناموس نیز دست اندازی کرده عیال و دختران (محمدخان) نام شخص معتبر قریه مذکوره را در ربودند . این کینت در ظرف یک هفته با داک ضروری از طرف جناب حاجی شیر دل خان حاکم و سرحددار چخانسور . و جناب غلام احمد خان برگد عساکر نظامی آنجا لدی العرض بموجب تعلیمات مخصوصی که گرفتند سه بلوک عسکر نظامی منظم و یکمراده توپ بموقعی که آنرا (دشت خور بکه) میگویند ارسال گردید . عساکر مذکور اشقیای سیستانی ایرانی را ضرب و تکیل نموده ارموضهای شان که در منطقه اراضی غیر تحدید شده متازعه فیها بود . و بصورت فضولی در آن موضع رفته بودند ، خرد و دفع نمودند . و نیز عالیجناب شیر محمد خان بلوک مشر با عبدالصمد خان بنزر جناب آقای حشمت الملک حاکم سیستان فرستاده شده . و از حاکم مذکور در زیرباز خواست گرفتن سردار خداداد خان را . و استرداد همه اموال رعایای افغانیه را که بتاراج برده اند با عیال و صیبه های محمد نام طالب نمودند . فرقه عساکریه فرا و چخانسور اگال میشود . امید است که درین روزها استرداد طال و عرض رعایای دولت متبوعه مقدسه ما بحسن صورت و کمال صلح و مسالمت به انجام رسد ، اهالی و عساکر شاهانه ازین عمل ناگوار سردار سیستانی ایرانی خیلی متاثر شده به هیجان و بصبری تمام به نتیجه انتظار میکشند .

به ایران و نصف شرقی آنرا به افغانستان تابع دیدیم ، نهر های معروفه (هری رود) و (فراه رود) و (خاش رود) و (هلمند) را در (بنزار) و (زره) نام و دکول - یعنی تالاب آن دو آمیخته مشاهده کردیم . در تاریخ ایران قدیم مسقط راس (رستم) زال کابل را نیز در آنجا دیدیم . در دور های اسلام منشاء بسیاری از علماء و ادبای معروف به (سنجری) و یا (سجستانی) نیز آنجا را یافتیم ، بک وقتی همه آنرا در زیر تابعیت دولت خزروی افغانستان و باز در زیر حکم دولت غوری افغانستان . و باز سراسر در زیر تابعیت دولت صفوی ایران و باز بک وقتی یعنی در اوایل تشکیل یافتن حکومت مستقله افغانستان سراسر در زیر حوزه حاکمیت افغانستان و درینوقت نصف بیشتر آنرا باز مال افغانستان و نصف دیگر آنرا مال ایران می یابیم . با خود اندیشیدیم که اگر جناحی تاس روس به آذربایجان و حرکات آردو های (کافکاس) عثمانی را در طرفهای (ارومیه) بحرکت آورده تاس خراسان آن نیز اگر افغانستان را در طرفهای (سیستان) بحرکت آورده باشد از مال اندینی چه بعدی داشته خواهد بود ! بلی ، اگر روس در مشهد نمکن ورزد بر افغانستان لازم میشود که برای جلوگیری سیلابها آن رخنه منقطع صاف و هموار سیستان را با قوت های لازم اشغال و ملامال سازد .

این قیل و قالهای اخبارها و این اندیشه ها و فکرها ما را مجبوراً برین واداشت که درینباب سرمای بلینی بکار برده و تحقیقات وشکافه اجرا نموده نتیجه حقیقت را بر قارئین کرام خود ظاهر سازیم . اگرچه در شماره ۱۸ اخبار خود مستند بر بعضی استخبارات مجمل افواهی نه تحریری که از بعضی دوایر دارالسلطنه نموده بودیم چیزی چیزی در باب ایصاح کینت این مسئله نگاشته بودیم . اما درین بار نتیجه تحقیقات ما بواسطه بعضی نامه نگاران مخصوصه روزنامه مبارکه ماست که در اصل موافق واقعه - یعنی در ولایت (هرات) و (چخانسور) حدود سیستان افغانی اجر نموده با خبر داده است حتی نامه نگار ما وعده کرده که به نقل و صورت

این واقعات بود که نامه نگار مخصوص ما از
(جفانسور) با خبر داده است ؟ و نامه نگار ما
(از هرات چنین مینویسد)

در خصوص منازعات سرحدی استنار نموده
ابد حقیقت این است که از هنگام نادانسته مشروطه
شدن ایران و تسلط یافتن دول اجنبیه بر آفت
احوال آن مملکت همسایه دو دست قدیمی ما بچنان
مصائب جانگراش گرفتار آمده که نه از حکومت و
قانون و نه از نظام و انتظام و نه از نظم و نسق
هیچ یک نام و نشان در آن مانده ، یعنی این
شتر گویا رای احوال حالائی ایران بنظم آورده
شده .

و احوال آن شهر باید گریست
که فریادرس را ندانی که کیست ؟

این است که مردمان سرحدی تبعه ایران
از عدم قوت و انتظام دولت متبوعه خود استفاده
کرده چندی قبل ازین مالداران بلوچی ایرانی برای
غلبه چرا از حدود (قلمکاما) و (اناردره)
بخاک دولت علیه افغانستان تجاوز نمودند ، و نیز
چندی پیش ازین از اهالی مردم (قائنات) ایرانی
منطقه برزخ را تجاوز کرده در قرب سرحد خاک
افغانستان بعضی اراضی را بغیر حق شرعی و فطری
بزراعت و فلاحه آغاز کردند که این حرکات
سراسر مغایر حقوق همسایگی و دوستی شمرده می
شد ، و تا بحال هیچ همچنین چیزی پیش نشده
بود ، طبیعتاً که سرحد دواوات دولت عایمه
افغانستان آن تجاوز کنندگان اجنبی را بشدت مانع
و دفع نمودند ، بنابراین در مابین دواتین علیتین
مخاطرات سیاسی باز گردید که ما بدیگر مخاطرات
آن که از طرف جناب آقای حاجی (نسیل الملک)
کارگذار امور خارجه خراسان و سیستان بواسطه
جناب عبدالله خاکی وکیل التجار دولت خدا داد
افغانستان مقیم مشهد عرض و تقدیم بارگاه مسالی
بایکاه همایون نموده ، و جواب و تلبیهاتیکه از پای
تحت سلطنت سیه بجناب نایب الحکومه هرات رسیده
دستیاب نشده ام و در نانی اگر یاقم برایی شما
میدرستم ، اما از مطالعه دیگرم بعضی اوراق رسمیه
که در مابین نایب الحکومتی و سرکار و وکیل التجار
رد و بدل شده بونوق پیوسته که اصل تجاوز از طرف

ایران شده نه از طرف افغانستان .

این را هم موقوفاً بشما خبر میدهم که یک خط
اعتذار نامه از طرف جناب حشمت الملک و رئیس
قشون ایران برای جناب نایب الحکومه صاحب
رسیده که از ارتکاب خطای سردار خدا داد خان
عرض اعتذار نموده و قیاحت را بر رادر خورد
و یران عم سردار موصوف حمل نموده و از
گوشالی دادش آنها واسترداد عیال و صبیبه های
محمد خان نام بایک شتر چادرها نوشته است

از روش حال چنین معلوم میشود که انشاءالله
در مابین این دو دوات اسلام هیچگونه منازعه و
منافقه که موجب دل سردی و آزردهگی شود
رو نهد و دولت علیه ایران متجاوزین سرحدی
خود را گوشمال و تنبیهات لازمه داده به احسن
وجود غائله واقعه مرفوع گردد . اگر چنین نشود
هیچ شبهه نیست که مسئله به تجدید حدود اراضی
منازعه فیها منجر گردد . در این وقت بهمین قدر
معلومات اکثراً ورزیده اتنا الله در نانی صورت
بعضی مکاتب مهمه را بدست آورده برایی شما
خواهم فرستاده ، باقی همیشه بزرگ باشد والسلام
فی ۲۸ جمادی الآخر سنه ۱۳۳۰ (نامه نگار
مخصوص شما از هرات)

این است حقیقت کیفیت قیل و قال های اوراق
حوادث که اتحاد خواهان عالم اسلام به اندیشه و
تخمینات دور و درازی انداخته بود حقوق شناسان
سیاسی حق خواهند داد که دولت متبوعه مقدسه ما
در این مسئله کمال حزم و متانت خود را در
خصوص همسایگی و صلح و تحمل فوق العاده خود را
در باب غائله برانگیختن در چنین وقت نازک بر
دولت ایران بکار برده است و گرنه حرمت حقوق
نا شناسان گستاخانه خداداد خان که در صاب اموال
و تعرض عرض و ناموس کمال شقاوت و وهزنی
خود را نشان داده از چیزهای نیست که افغانستان
آنها هضم کرده بتواند ، بهرحال ما از درگاه متعال
تحکیم رابطه اتحاد دولتهای اسلامی را میخواهیم
نه نزاع و شقاق شان را

(حبل المتین)

اگرچه پیش آمد غیر مترقبه سرحدی ایران و
افغانستان تا درجه هباهو در جراید خارجه و عوام

اسلامیت انداخت ولی بحمدالله موقع شناسی رجال طرفین خیالات متصور اجانب را عاقل و باطل گذارد، سابق هم نوشته حال هم مینویسیم که ما کار بقصور رجال سرحدی نداریم خواه این تصور از ایرانیان باشد یا از افغانان، چه مردمان جاهل خود خواه موقع نا شناس در هر قوم و هر مملکت موجوده فرصت و وقت میجویند، فقط حرف ما این بوده و هست که امروزه موقع اسلام باندازه نازک گردیده که مسلمانان را اجازه هیچگونه مناقشات داخلی ندهد و هرگاه خدای ناخواسته مسلمین امروزی هم مانند ادوار گذشته بجهالت و موقع نا شناسی پیرو شوند دیری نمیگذرد که این چند دولت اسلامی هم که باقی مانده استقلال خود را خواهند باخت.

مسلم است اگر تمامی باطل شود ایران باطل شده و اگر ایران تمام قطعاً افغانستان هم نتواند ماند، خواه با اصول سیاست باشد یا بملاحظه حفظ بیضه اسلام، از باب حل و عقد ایران و افغانان راست که نگذارند که مناقشات سرحدی پیش آمده و اندک خام طعمی سرحد داران کار را بجائی کشاند که طرفین زیان بینند.

هیچ مثالی برای تهیه اسلامیان بهتر از مناقشات سرحدی عثمانی و ایران نیست که دو دوره عبدالحمید سرحد داران ترکیه آغاز به پیشقدمی نهاده از ضعف طرف فائده خاسته کار بجان کشید که روسها موقع یافته وضع امروزه که مورث ندامت طرفین گردیده پیش آمده و کمان نیروی که رجال عاقل دولتی بی بوخاست این مناقشه برده بتوانند خودشان را بدون زیان بگذارند، در حقیقت نفع این مناقشه تمام باید بروسیان گردید، خدای ناخواسته اگر مناقشات سرحدی بین ایران و افغان هم پیش آید زیانش عاید بدانات و نفعش راجع بدیگری خواهد شد.

لذا رجال ایرانی و افغانی راست که از خطایای سابقه مسلمانان عبرت گرفته خویشان را آله جلب منافع دیگران قرار ندهند و از پیشقدمی دوروزه خودشان منور نکرند که دانایان گذشته که شایانها را آخر خوش است.

امروزه بزرگترین اسباب حفظ بقای استقلال مسلمانین موجوده اسلام درین است که بهانه هیچگونه

دخالتی باجانب ندهند، بر اسلام نه بلکه بر خود ترحم نموده استقلال خودتان را متزعزع سازند، علاوه بر این باید بدانند که مقتضیات سیاست این عهد تبدیل و تغییر در اوضاع قدیمه است اگر ایران و عثمانی امروزه برای تبدیل وضع سلطنت مبتلای بانقلابات گردیده از مدافعات سرحدی خودشان عاجز مانده اند چندان مورد شانت شان نتواند قرار داد، چه انقلابات سیاسی در هر شاکت روی داده این پیش آمدها را در جلو داشته است و بنیاً روزی هم اینگونه انقلابات در افغانستان پیش تواند آمد.

اگر بنا شود همایکان اسلامی مراعات برادری بنمایند خویشان را به محو و نابودی نزدیک تر ساخته اند، و ما از سیاست و کیاست اعلیحضرت پادشاه افغان امیدواریم که نخواهند گذارد در این موقع نازک که ارکان عوام اسلامیت متزلزل گردیده این جزئیات مورث کدر و تضرع درین واقع گردد، چه مآلا ولو موقتاً هم بتوانند متعین شوند عاقبت صدمه آن بخودشان وارد تواند آمد. ما راست که این رباعی را از یاد ندهیم

ما پنج برادریکه از یک بستم
در بجه روزگار پنج انگشتم
چون فرد شویم در نظرها نلیم
چون جمع شویم و دهن ها مشتیم
فهرست معاونین انجمن هلال احمر

رویه

توسط ادینر اخبار اناعشری دهلی ۱۵

توسط مشورالدین سجدیو لاهور ۴

محمد تقی حسن دهره دون ۳۵

سید امراو حسین مبرهنه ۵

توسط علی حیدر صاحب سارن

دفعه اول ۵۰

ایضاً دفعه دوم ۳۰

ایضاً دفعه سوم ۵۰

توسط ذالفقار علیصاحب بختاور پلتن

انوار اشیت بموجب فهرست ذیل

سید صاحب میرزا صاحب انبیکر ۱

حکیم سید مقصود حسین صاحب ۲

اوشاد سید احمد علی صاحب

رویه آنه یان		
۱	کلیان سید واجد علی صاحب	
۱	منشی سید محمد تقی صاحب	
	سید تصدق حسین صاحب دبی	
۱	انسپکر پولیس	
۲	بابو شیخ عبدالغنی صاحب	
۱	یک کتام بھی خواه	
	سید تصدق حسین صاحب چپراسی	
۱	محکمہ حضوری	
۴	سید صادق علی صاحب	
۸	سید گزاز علی صاحب	
۸	یک کتام همدرد قوم	
۲	سید افضل علی صاحب	
	مجناب مرحوم جاگیر دار سید	
۱	مومن علیصاحب	
۱۴	سید غلام قنبر صاحب	
۲	ذوالفقار علی صاحب	

۱۴	۲۴۰	جمع فوق
۱۰	۴۹۷۶	جمع سابق
۸	۵۱۷۹	جملتان

(اقتباسات)

مسیو موناو بلژیکی خزانه دار کل را با بختیاریان آار کدورت و ناراضی هویدا گردیده چه مشارالیه جداً خواسته است عزل حکام بختیاریرا که بدون اجازه آن به تحصیل مالیات پرداختند روزنامه ویلز مینویسد نائب السلطنه ایران از بختیکی که دارد عاتق نیست خود را از ابرام ظاهر نداشته ولی آنچه از قزاقن خارجی ظلمت گردیده فرقه که امروزه قوت و رسوخ و نفوذ شان از همه بیشتر است وجود نائب السلطنه را محل اشراض خود یافته اسباب فراهم آوردند و انتشاراتی دادند که مجبوراً نیابت سلطنت خارج گردد نائب السلطنت مخالف باهرج و مرج و میخواستند کارها از روی صحت انجام گیرد ولی فرقه موصوف، فتح خویشرا در هرج دیده اسباب حرکت ایشان را فراهم نمودند و گمانت میرود تا وقتیکه نیابت سلطنت افق ایران را از کدورت صاف نه بیند بایران عودت نماید

آنچه مستفاد میشود و مجال با سیاست و دانش ایران را عقیده در باب راه آهن این است که اگر شرائط امتیاز بر وفق دلخواه ایران منظور شود و تعمیر آهم از روی صحت با اصول بین المللی بر قرار آید نافع ترین امور برای ایران هست ولی انگلستان محض خوف از هندوستان ساعیند که ایران را هم مخالف با این راه آهن قرار دهند - راه آهن اتم بر منافع دیگر برای انتظام و امنیت مملکت بهترین آله شناخته آمده است - چه امروزه اگر ایران با صد هزار نفر قشون جرار بتواند امنیت داخلی خود را کما هو حقه بر قرار دارد در سوریکه راه آهن باشد با بست هزار نفر میتواند تمام مملکت ایران را مامون سازند تا کنون در کبیه ممالک شمالی ایران از آذربایجان و گیلان و خراسان ۱۲۴۰۰ نفر قشون روس موجود است

بتازگی دولت روس عده از قشون خود را از خراسان کم نموده است دولت روس رسماً مخالفت خود را با انعقاد مجلس و انتخاب وکلای پارلمان ظاهر نداشته ولی حرکت نامورین وی چنان نقشه بروی کار آورده که اگر گنگوی انتخاب وکلای پیش آید، یک اختلاف عظیمی در کبیه ممالک شمالی روی دهد

راه انتظام آمد و شد کرمان تا بندر عباس شده و قوافل در حرکت آمده اند راه بغداد تا آرمانشاه و طهران را شاهزاده فرمانفرما امن نموده قوافل و بست با کمال امنیت آمد شد می نمایند

از زمانیکه نیابت سلطنت از طهران حرکت فرموده اوضاع پای تخت بهتر نشده با اینکه وزرای کنونی مستقلاً مشغول بکارند مرکزیت پای تخت را دارد رداع میگوبد، کسیکه تا درجه پیشرفت در کارهای خود دارد همانا خزانه دار است آنها بواسطه تقویتی است که سفارتین روس و انگلیس از وی دارند

بختیاری از مسیو موناو خزانه دار مکرر و بید نیست عنقریب اختلاف عظمی بین آنها پیدا شده مزید دخالت سفارتین در مرکز بشود

روز نامه جات روسیه مینویسد بختیاری می ها با تشکیلات ژاندارمی مخالف و همه قسم کار شقی می نمایند. افواه است که افسران سویدی اتام حجت نموده که اگر بختیارها در عمل آنان دخالت کنند استفا گفته به اوطان خویش باز کردند

روزنامه تاگلات المانی مینویسد که دولت روس خواهش نموده که در معاهده ترکمانچای نظر مان بشود و اجازه رعایای روس داده آید در خریداری املاک چون بر حسب آت معاهده بانک می تواند املاک خریداری کند مشکلات زیاد در معاملات آن پیش می آید و برای قبول آمدن این امر بدولت ایران هزار و دویست نفر بر عده قشون خود در آذربایجان افزوده است و نیز دولت روس مخالفت شدید بر وزارت بختیاری می نماید و مصر است بر اینکه بختیاریان از وزارت علیحده شده طهران را خالی نمایند و تبیه نموده است دولت ایران را که مبادا مجلسی افتتاح بشود نوی رعایا مینویسد که چون سید میر حسین از نطق خود اهالی تبریز را بر می انگیزخت صمد خان شجاع الدوله او را گرفته بر اشاء فرستاد سید میر حسین بیرق سرخ بنام مشروطیت بلند نموده و سعی بود که اهالی را وادار به طلب نمودن سپهدار نماید تا کارها صورت صحیح پیدا کند گفته می شود که خود اهالی سید میر حسین را تسلیم صمد خان نمودند صمدخان خانه سید موصوف را بمباردماش نموده منهدم ساخت و باکال سختی جنبشی که در اهالی برای ورود سپهدار دیده می شد جلوگیری کرد یک از فدائیان نامی را علناً بدارزد

روزنامه طمس مینویسد که وزیر مختار انگلیس سعی است که راه طهران تا محمره که از بختیاری میگذرد کاملاً مامون گردد چه کسانی لنج بواسطه نا امنی راه ترک حمل و نقل اجناس تجارتی را نموده از تحریک وزیر مختار انگلیس بختیارها بهوش آمده اند. برای بحال سردار جنگ ایلخانی بختیاری حاکم بهمان شده که بقوة استبداد کارها را انجام دهد وظیفه آن این خواهد بود که راه را امن نگاهداشته روابط باشیوخ تا محمره را بر قرار دارد. بانک شاهنشاهی هشت هزار لیره حصص

کپان نفت را صحنه نموده بوی سپرده است امیر منعم بختیاری به ایالت کرمان نامزد گردیده است این واقعات بواسطه رفقن مسز گری قونسل اهواز بطهران پیش آمده ولی نتیجه اش غیر معلوم است مسز شوسر کتابی تصنیف نموده در حالات

ایران موسوم به The Stragling of Persia (خته کردن ایران) این کتاب را (مسز فسرانون) که کتاب فروش معتبر لندن است در آخر جولائی اشاء داده است مسز شوسر در این کتاب تجربیات شخصی خود را از اوضاع پلتنکی ایران و قابلیت ترقیات زراعتی و صنعتی و ماده حکومت خود مختاری را در ایرانیات ثابت کرده و نیز رفتار سیاسی دولتین روس و انگلیس را مجسم نموده است

خلاصه تلگرافات مهمه

دولت چین قبول نموده است که خسارات سید افندی مقتول که از رعایای روس و درختن واقع شده بدهد کتابکه در آت حادثه شرکت داشتند همه را بر طرف کردند و یک از افسران که در این باب شریک بوده بااعلن استنطاق او خواهد شد قونسل روس در کاشغر و حکومت محلی همین خساره را خواهند نمود

وقایع نگار ضمن از پاریس ایفاناً مینویسد که قبل از آنکه بین روس و فرانس معاهده بحری بشود بین وزرای بحریه فرانس و انگلیس مشاوره شده بود

در جزیره پطرسوکی از یک انبار چولی جوئی احراق بالا گرفته و به بنجاه انبار دیگر رسیده خیلی از عمارات را سوزانیده در آن میان قصر پطرکیر هم تمام سوخته است. و بهارت (گراند دجس ماربه پلاون) هم احراق رسیده است

موسیو بونیکا رئیس الوزرای فرانس بحساب پطرسبرگ رهسپار آمد

بر حسب تلگرافیکه بروز نامه طمس از یکن رسیده در صوبه بونن مامورین حکومت را که منع زراعت تریاک می نمودند اهالی زد و کوب کرده مقتول ساخته اند

رئیس الوزرای فرانس وارد پطرسبرگ گردید منتهای بذوراتی از ایشان شد توپهای سلامی شلیک و بر جهاز پیارق فرانس به اهتزاز در آمد

در موقع ادای مراسم تکفین و تدفین اعلیحضرت
میگادو امپراتور ژاپون براس آرتهر از طرف
دولت انگلیس و براس هنری بروشیا از طرف آلمان
و سر ناکس نایب‌الریاسته جمهوری امریکه در توکیو
شرکت خواهند نمود

خلاصه تلگرافات راجعه به عثمانی

مجلس سنای عثمانی تصویب ماده را که دولت
در اساس مشروطیت عثمانی تبیین نموده که مجلس
موجوده دنباله مجلس اولیه است و مدت آن
قانوناً تمام شده است - ۵ آگست فرمان انفصال
مجلس میباید شایع بشود

وکلاهی موجوده پارلمان عثمانی بجای اینکه قبول
تصویب سنا و کابینه را بنمایند به اکثریت رای
بعده اعتماد به کابینه دادند و پارلمان بلا تعیین مدت
منفصل گردید از این دو بین انجمن اتحاد و ترقی
که جاری بر پارلمان و موید آن بسیاری از ارباب
سیف هستند و بین کابینه که قوه قویه عسکریه با
اوست دوجار بغاوت ارنائوها هستند مناقشه سخت
پیش شده است از قاندهن ارنادو اصرار می شده که
پارلمان منفصل شود

بر حسب تلگراف استنجی پایتخت جیل اسود
بین قشون سرحدی عثمانی و جیل اسود مناقشه پیش
آمده تا شام صرفین مشغول بجنگ بوده اند قره‌ضاعیان
الزام می دهند بر اینکه لشکریان سرحدی عثمانی
ابتدا جنگ نموده قشون ساحلوی جیل اسود
بر سنگرهای عثمانی شلیک نمودند و چنانچه می گویند
بجمله نفر از لشکر عثمانی مقتول و از قره‌ضاع دوازده
نفر مقتول و یازده نفر مجروح شده اند

رئیس پارلمان عثمانی - ۵ آگست بقصر سلطانی
رفته تا اعلیحضرت را اطلاع بخشد از بی اعتمادی
و بی اعتباری وکلا بکابینه حاضره ولی اعلیحضرت
سلطان از ملاحظات وسیع امتناع فرمودند و فرمانی
در مجلس شورا قرائت شد که اعلیحضرت سلطان
را کمال اعتماد به کابینه حاضره هست و گفته می
شود که کابینه موجوده عثمانی تصحیه نموده است
که اعضای معتبره انجمن اتحاد و ترقی که منجمه
آنها طلعت بی و جاوید بی می باشند گرفتار نماید
کاربینه جدید عثمانی تصحیه نموده که تا چهل یوم
در اسلامبول قانون عرفی جاری باشد

باوجودیکه اکثریت پارلمان عثمانی بر بی اعتمادی
کابینه موجوده رای داد رئیس الوزرا در مجلس سنا
و مجلس پارلمان رفته فرمان سلطانی را بر انفصال
مجلس قرائت و حکم انتخابات جدید را داد

دسته های مسلح بلغار در سرحدات عثمانی
وارد و اسلحه بدعقاران (اشتب) تقسیم می نمایند
قشون عثمانی که در (برسرند) و (مرودتزا)
هستند ملحق به باغیات البانی گردیده و در
(برستینا) نمایندگان خود را شامل کانفرنس البانیا
نموده اند

وزارت عثمانی در عرصه ۲۴ ساعت از دولت
قره‌ضاع خواسته که تصحیه مناقشاتی که در سرحد
واقع شده بشود و دره قطع تعلقات بوتیکی عثمانی
باقره‌ضاع خواهد شد

بر حسب تلگراف استنجی پایتخت قره‌ضاع تمام
روز بجم آگست بین قشون ساحلوی عثمانی و
قره‌ضاع جنگ جاری بود قشون ساحلوی قره‌ضاع
حکم رسیده که از سرحد عثمانی خارج شده اصول
مدافعت اتخاذ نمایند قشون عثمانی از سرحد گذشته
بداخله قره‌ضاع حمله نمودند ولی با متصلان از قشون
پساده و توپخانه قره‌ضاع عقب نشستند از دولت
قره‌ضاع حکم بحضرتال واکستج شده که بموقع جنگ
برود و اختیار به او داده شده است که ترکان را
فهرایش کرده توام اصول امنیت را برقرار دارند
بر حسب تلگراف استنجی قشون قره‌ضاع به
تصاقب ترکان در سرحد عثمانی وارد و سه سنگر
محکم ترکان را گرفتند

دولت قره‌ضاع جواب باب عالی را با شدت
لهجه داده است و باصرار می گوید که احدی از
سپاهیان قره‌ضاع وارد به سرحد عثمانی نگردیده اند
و این تصادم بواسطه اشتعالی بود که بی در پی
از ترکان پیش می آمد

نظر به وقعه کوچانا که قشون و ژندارمه
عثمانی بعد از انداختن نارنجک بلغارها را بقتل رسانیده
اند رئیس الوزرای بلغار وزیر مختار خود مقیم
اسلامبول را هدایت نموده که تحقیقات کامله در
این امر بنماید

جاویدی و طلعت بی که گشتگو شده بود
کابینه قصد گرفتاری شان را دارد وارد سلاویک

شده با با انجمن اتحاد و ترقی مشوره نمایند
در اطنه پای تخت یونان شهرت یافته که بعد
از وقته نارنجك در كوچانا بجاه عیسوی بقتل رسیده
و دو بیست نفر را مجروح ساخته اند

از وقته كوچانا تشویش زیاد در بلغار دست
داده اخبارات صوفیه نسبت بدولت عثمانی اطسالة
لسان می نمایند و بیانی می کنند که اگر دول
آروپا امنیت در امارات بالکان را ندهند دولت بلغار
شخصاً ذمه داری خود را انجام خواهد داد

بواسطه انفصال پارلمان عثمانی ظاهراً باغیاب
البانی سکوت نموده چنانچه اراده حله بر اسکوب
را ترك کرده اند، در سلاویک قانون عرفی
جاری گردید

بر حسب تلگرافیکه بروز نامه طمس لندن رسیده
بین امارات بلغار و سرویه اتحاد قایم گردید
باب عالی تجویز نموده است کیسیون موتلنه در
مناقشه سرحدی جبل اسود تشکیل یابد، دولت روس
قره طاغ را متنبه نموده که مناقشات پیش نباید
باب عالی وزیر مختار خود مقیم ستیجی را که
به (کتارو) رفته بود امر عودت بحال ماموریت
خود داده است

بر حسب خبریکه به پانیر رسیده اعلیحضرت امیر
ملاحظه قشونی که تحت افسران ترکی از سه سال
باینطرف مشق نموده در کابل با بیانه وسیع
فرموده و خیلی اظهار مسرت نمودند و انعام با افسران
مرحمت شده و امر کرده اند که افسران مذکور
به سرحدات رسته قشون سرحدی را هم تحت تعلیم
در آورند و یکی از ترکان که بعلازمت دولت
افغانستان نامزد است عهده جزالی اعطا و امر
فرموده که یک کتاب نظام قشونی برای سربازان
افغانی مرتب نماید

باب عالی بدولت بلغار وعده نموده است که در
وقته كوچانا تدارکات سخت نموده مجرمین را سزا
بخشد

مخبر روتر معلوم نموده که دولتین روس و
انگلیس بذریعه نمایندگان خودشان در اسلامبول و
ستیجی قسمی مداخلت نموده که جنگ بین عثمانی
و قره طاغ واقع نگردد

مقیاس الزلزله در انگلستان معلوم نمود که دوشرق
اروپا زلزله شدیدی پیش آمده و نه (انچ) عقربك
مقیاس الزلزله را متحرك ساخته از آن بعد معلوم
گردید که در نواح اسلامبول زلزله شدیدی شده چنانچه
چوچوبو از این زلزله محرق و ۳۰۰ خانه را سوزانیده
است، در بحیره مرمره شدت این زلزله احساس شده

و در سیم تلگراف دارد نیز خرابی واقع گردید از
تلگراف بی سیم معلوم شده است که عده زیادی از این
زلزله تلف شده اند، جهازیکه در بحیره مرمره
لنگر انداز بوده معلوم نموده است که در (هراکتیا)

(پرستیاس) (موریفلو) (هورا) و غیره از این
زلزله يك دفعه محرق گردیده و باشندگان آن بی خانمان
و بی آذوقه اند. يك جهاز با يك كشتی موشك با
خوراك و لوازمات بدانجا فرستاده شده در هر نقطه
اسلامبول و ادریانوبل بشدت زلزله محسوس آمد
۳۰ تابه طول مدت آن بوده است در گالیولی و
چانك عمارتی نیست که از این زلزله صدمه نیافته
باشد. يك مسجد با يك کلیسای یونانی در چانك
مهدم گردید، جهازات مذکور اظهار داشته که
چراغ مینارهای گانوس و نورا از این زلزله فرو ریخته
دهات قرب آن محرق آمده جهاز مذکور همچو
تصور نمود که کشتی موشك خصم بر آنها حمله نموده
است

نجات یافته گان از این زلزله اظهار میدارند که
در ده هورا ۸۰ مقتول و ۲۰۰ مجروح و در
موریفلو ۳۰۰ مقتول و ۶۰۰ مجروح شده اند

خلاصه تلگرافات راجعه به ایران

روزنامه طمس مکتوبی از وقایع نگار مقیم
ظهران اشاعه داده افق سیاست ایران را خیلی
مکدر جلوه میدهد و مینویسد که بیابت سلطنت از
ایران خارج شده کار های دولت را فلج ساخته
مملکت را با محطاط گذارده است وزارت روز بروز
بی اختیار شده و خزانه خالی مملکت شکار رقابت
قشقائی و بختیاری گردیده امید این که دولت ایران
امنیت را در جنوب برقرار دارد رفته رفته زایل
میشود تخمیناً دو سال در این خصوص دولت انگلیس
بدولت ایران نوبه فرستاد در آن خط مذکور است
که وقت میگردد

بر حسب تلگراف وقایع نگار روزنامه استیسن
از شمه دولت ایران در معاملات اندرونی ترقی
نموده و حکومت ظهران پیش آمد امر را
امیدوارانه و خوبی را که سر ادوردگری من باب
استقراض ایران نموده بی بنیاد می بندارد

سر داود خان متناح الساطنه جنرال قونسل ایران
بوقایع نگار موصوف چنین بیان نموده است از سه
ماه باین طرف اخبارات رسمی که بمن رسیده بدون
تردد میتوانم بگویم که اوضاع ایران خیلی ترقی کرده
علاوه بر اخبارات رسمی در این دو سه ماه اخیر
در جراید انگلیس و هند امری که سبب تشویش
از اوضاع ایران شود دیده نشده است شك نیست

ه چند ماه قبل اوضاع ایران تشویش آور بود ولی ز وقتی که محمد علی و سالارالدوله شکست یافته و دست آنان از معاملات بولتیکی ایران قطع گردیده و ناود خان رئیس ایل کابور و پسرش کشته گردیدند معاملات بصورت اولیه باز گشت نموده است - هنگامه کرمان کاملاً آرام گرفت ، بندر عباس هم امن و راه بوشهر تا شیراز هم متبوع و دولت ایران در ریفارم و تشکیل زنداری مشغول است و قرضه را که حکومت ایران گرفت بواسطه ریفارم اندرونی مملکت بود، در حلقه های رسمی ایران چنان اقبال رفته که اگر کاملاً قرضه که خواسته بیايند بروگرامهای وسیع که برای ریفارم درست شده انجام خواهد یافت، در جواب استواری - نزار قونسل فرمود که مرا ايقان است که قرضه که دولت خواسته برضامندی روس و انگلیس صورت خواهد گرفت

بر حسب خبریکه بقوانسل جزالی رسیده چهار روز قبل حیدر خان که ذمه دار جنگ کشکولی و کازرونی بود مرده امید میبود مرگ او امنیت راه بوشهر و شیراز را ترقی بخشد

بر حسب تلگرافیکه بروز نامه بانیر رسیده عاقبت روسیان از عده قشون خود در مشهد که از چند هفته با آنطرف کمال امنیت را دارد کشته اند

خبر روتر از طهران خیر میدهد که ۲۶۰ ژندرامی بمحمت دو افسر سویدی که یکی موسیوسی فوت و دیگری موسیو نسرام بود برای جنگ با باغیان که خذل در امنیت راه بوشهر و شیراز انداخته بودند حرکت کردند در مقام درنجهان ژندرامی شکست خورده و يك توب و تمام اسلحه خودشانرا تسلیم نمودند موسیو سی فوت سویدی در آنجا به مجروح گردید

بر حسب تلگرافیکه بروز نامه بانیر از شیراز رسیده ژندرامی دو شبه گذشته محمت دو افسر سویدی با يك عراد توب کوهستانی برای جنگ باصولةالدوله در ده میلی جنوب غربی شیراز حرکت نمود در این حمله ژندرامی کامیاب نگردیده و يك افسر مجروح و تحمیباً ۲۰ ژندرامی مقتول و مجروح گردیدند تمام تفنگ های ژندرامی با توب شکست خضم شد

خبر روتر معلوم نموده است که دولت انگلیس

رضا داده که قرضه ایران بدهد که مزید امنیت جنوب گردد

قرضه را که بطریق پیشکی دولت انگلیس به ایران داده برای آنست که نایب الایاله شیراز قوام الملک اردوئی تشکیل بدهد برای مقابله باصولةالدوله که چند بوم قبل زنداره را شکست داده است بر حسب تلگراف شمه دولت ایران سعی بوده است که در بازار صرافان اروپ شش ملیون لیره بضانت روس و انگلیس قرض نماید که منجمه آن دو بیست هزار لیره بود که چند ماه قبل دو تین روس و انگلیس بایران داده اند ، نمایندگات ایران در اروپ سعی اند که بقیه این وجه را حاصل نمایند و گفته میشود که این وجه در ریفارم و ضروریات خرج خواهد شد خصوصاً در تشکیلات جدید زنداری ولی تا کنون معلوم نیست که این قرضه حاصل شده است یا نه ،

سردار و دخان جنرال قونسل دولت ایران می نویسد توجه من به ذول گردیده علاقاییکه در خصوص اوضاع موجوده ایران خصوصاً درباره قرضه جدید شده عنقریب از دولت روس و انگلیس خواهد شد . ابدأ این صحبت در میان نبوده که ایران بطریق خود این قرضه را حاصل کند یا از دولت دیگر بگیرد ، مطالب من این بوده که دولت ایران جناحه همیشه خواهم شد اصلاحات بدهد که مملکت ترقی نماید . این قرضه برای آنست که اساس ترقی را بطریق عالی دولت ایران برقرار دارد - لذا در وقت دادن وجه دولتین روس و انگلیس خواهش شان این خواهد بود که حکومت مطمئن در ایران تشکیل شود و البته در این خواهش محق خواهند بود بر حسب تلگراف بانیر ثبوت نامنی راه بوشهر و شیراز این است که هفته گذشته بین این دو شهر سیم تلگراف کار نکرده البته مخبرات بین شیراز و طهران جاری است

وقایع نگار بانیر می نویسد که در کابل من باب تجارت اسلحه نمویز دیگری می نمایند جمعی از بلوچان در آنجا رسیده تریه قافله شده است که به طرف مکران بلوچستان حرکت نمایند سلیمان خیل غلزی ذمه گرفته است که شر و اسباب حمل و نقل را فراهم کند و این ما از وادی هلمند و سیستان خواهند گذشت

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴
HABULMATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدیر
کل مؤیدالاسلام است
هردوشنبه طبع
سه شنبه توزیع میشود
پنجم دوشنبه

۵ رمضان ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۱۹ اگست ۱۹۱۲ میلادی

و کلام حق لفظ ابوانه بدون قبض ندارد و تا وقت که
مشترکین را قبض مخصوص سال بیستم دست نیابد
ذمه شان بری شناخته میشود

نامه مقدس

المتین

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

روس و زکستان

۱۰ منات - ۶ منات

قیمت اشتراك

سالانه - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپيه - ۷ روپيه

ایران و افغانستان

۴۰ قران - ۲۵ قران

عمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانك - ۱۶ فرانك

روس و زکستان

۱۰ منات - ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

پرنکهای سیاسی اروپا

(یا اوضاع کنونی عمانی)

موشکافان سیاست انقلابات کنونی عمانی را ولو
بظاهر ناشی از اختلافات داخلی باشند تمام مبنی بر قنایت
اتحاد مللت (آلمان ، ایتالی ، استریا) و افضاق
ثلثه (روس ، انگلیس ، فرانس) میدانند
از بعد جنگ روس و عمانی هر کس با اوضاع تاریخی
اسلامبول نگردد بخوبی استنباط نموده بود که مرکز
خلافت عمانی همواره محل رقابت اقتصادی و سیاسی
انگلیس و آلمان بوده اگرچه دول دیگر هم
مانند روس استریا فرانس در فوئذگله بی حصه نبوده
اند ولی در مقابل این دو پهلوان سیاست تحت الشعاع
بشار آمده اند گاهی که سیاست انگلیس را موافق
آمده رسوخ خود شان را در اسلامبول زیاده
کرده و وقتیکه آلمان را پیشرفتی حاصل شده تا
درجه انگلیس را عقب نشانیده در اواخر سلطنت
عبدالحمید از یازده سال باین طرف آلمان گوی مبارزت
را در اسلامبول ربوده و خیلی انگلیس را عقب افتاده
تا وقتیکه روس هم دارای اقتداری بود چندانی
خوف پیشرفت برای آلمان دامنگیر انگلیس را می
شد همبکه قوت و اقتدار روس در اقصای شرق
برهم شکست انگلیس دانستند که اگر چندی دیگر
عبدالحمید تحت نفوذ آلمان باشد در آینده در شرق قریب
و آسیای صغیر آلمان گوی سیقت را ربوده استیلای
کامل وی بر مرکز خلافت اسلامی یعنی اسلامبول هم
مسلم خواهد گردید این بود که نقشه عزل عبدالحمید

واسطه جوانان ترك باسم انجمن اتحاد و ترقی پیش
آمد و ازین رو انگلیس را رسوخ از دست رفته
خودشانرا در اسلامبول بمقابله آلمان بچنگ آوردند
اوضاع چهار ساله اسلامبول بخوبی ظاهر میدارد
که انگلیس خیلی پیشرفت کرده و آلمانیان زائد
الوصف عقب رفته اند آلمان خیلی کوشید که شاید
جوانان ترك یعنی انجمن اتحاد و ترقی مکه مالک
رقاب حکومت عمانی بود بطرف خویش میلان
بخشد تا جائیکه در مقابله فرانسه آخرضه همدگت
را بجوانان ترك که رقیب حکومت عمانی را بکف
داشتند داد معذالك جوانان ترك و انجمن اتحاد
و ترقی ابراز خلوص نیت خودشانرا بر ضد
انگلیس نسبت به آلمان نه نمودند آلمان که چنین
مشاهده کرد دانست که با افضاق ثلثه (انگلیس فرانس
وروس) اگر عمانی هم معیت نماید در آینده پیشرفت
مقاسد اقتصادی و سیاسی وی در شرق قریب و آسیای
صغیر نخواهد شد این بود که حمله ایتالی بر طرابلس
غرب و برقه طحرا پیش آمد و چنان تصور شد
که سربیا حکومت جدید عمانی متنبه شده برای نجات
خویش به آلمان خواهد گروید استقامت و جدیت
جوانان ترك با آنها عدم موجودکی اسباب در مقابله
ایتالی اتحاد مللت را بقضه جزایر بحر سفید عمانی
وادار نمود یعنی ایتالی را برخلاف مواعید رسمی
که داده بود وادار ساخت که جنگ را دو خرابلس
غرب محدود ندارد و حالات چند به دارد نیز هم شد
بعینالک استقامت انجمن اتحاد و ترقی دولت عمانی را

تکلیف صلح نداد این بود که نیرنگ نازم ناسنهای
 یلتیکی در داخله عثمانی برخلاف انجمن اتحاد و ترقی
 فراهم آمد. از یک طرف مجمع انجمن قشونی در
 ادربابول برخلاف انجمن اتحاد و ترقی منقذ و
 البانی را به یقوت و ادار و مقدونیا راجع میخواستند
 دچار انقلاب سازند برای فراهم نمودن همین انقلاب
 بود که چند هفته گذشته پادشاه قره طاغ (بلغار)
 در وینا و برلن رفته با امپراطور آستریا و آلمان
 ملاقات و اتحاد بین بلغار و سرویه و یونان و
 قره طاغ برخلاف عثمانی فراهم آمد دو حقیقت
 اتحاد محری فرانس و روس و تقویت اتفاق ثلثه
 مبنی بر همین نیرنگ بازبای اتحاد مثلث است، و هیچ
 بعید نیست اگر بیچندگی در معاملات عثمانی پیش آید
 و انقلابات بالکان بالا گیرد اتحاد مثلث و اتفاق ثلثه
 هم بی مناقشه نماند. هر گاه اوضاع داخلی عثمانی
 رو به آرامی گذارد و یک حکومت قویه اعم
 بر انجمن اتحاد و ترقی یا مجمع قشونی بروی ر آید
 و رجال خیرخواه با کله عثمانی مدحظه موقع نازک
 خودشان را نموده نقشه یک اتحاد صمیمی و بزم
 ممکن است منافع عمده از این انقلابات گیرند.
 و اگر خدایه ناخوارسته اختلافات داخلی مزید
 انقلابات خارجی گردد. این آتشیایی افروخته
 دست سیاسیون ما هر خاندان اسلامیان را دردم
 خواهد سوخت و بر فرض هم که یکی از هیئت های
 دول دوگاه بجایه عثمانی بر خیزند عاقبت همان هیئت
 گرگ عثمانی خواهد گردید. امروزه نجات عثمانیان
 در این است که اغراض شخصی را کنار گذارده
 دست اتحاد بیکدیگر داده در بقای وطن اسلامی
 خودشان بدون تأیید سیاسیون خارجی بکوشند. ورنه
 روزی آنها را پیش خواهد آمد که از کرده خود
 پشیمان گردیده وقتیکه پشیمان را سودی نباشد.
 دانایان و سیاسیون عثمانی راست که غرور و
 تامل نمایند که کدام دست های سیاسی مشت های
 آنها را بالا برده که به کله بیکدیگر کوبند و غرض
 شان از این حرکات چیست و ملتنت شوند که دوستی
 و دشمنی اروپائیان تمام بری جلب منافع خویش است.
 ورنه نه مجمع قشونی و نه انجمن اتحاد و ترقی را
 خواهند. ما امید مینماییم که در این موقع نازک

اعضای سیاست شناس انجمن اتحاد و ترقی عاقبت
 وخیمه اسر و ملتنت شده با کابینه حاضره عثمانی که
 برادران آنهاست دست بدست داده و این آتش
 خانان سوز را خاموش ساخته این شکست خودی
 را بخود هموار نموده رضا بیبودیت خارجه ندهند
 چه امروزه نقشه اروپا در محو اسلام است. بهر قسم
 که بتوانند خواه در مراکو باشد یا ابراث عثمانی
 باشد یا افغانستان -

همین حال ما راستی پیشه میکنم

تو هم از چنین روزی اندیشه کن

مباحثات پارلمان انگلستان در موضوع ایران

(تقریر اول رونالدنی)

اول رونالدنی اظهار داشت که ملک خارجه ما
 مبنی است بر اتفاق ثلثه اساس این ملک را
 لارد لندون (وزیر خارجه سابق) آغاز نهاد
 ولی سرادوردگری بر آن شالوده بنیانی گذارده
 که بسی در موقع آزمایش آمده است. سرادوردگری
 را فریضه ذمه چنین قرار یافته که هر واقعه مهمی
 منافی بادوستی روس و فرانس پیش آید محل اعتنا قرار
 نهد و در هر پیش آمد وزیر خارجه آن
 خواهد کرد که روابط دوستانه و تملقات متحدانه
 ما با فرانس و روس زیاد گردد لذا حماقت است
 که ما اقدام بکاری را خواهیم که دولتین فرانس و
 روس دوستانه تصور نه نمایند

ولی عقیده من این است که روس دوستی خود را
 بادولت انگلیس بهر قسم که میخواست می توانست نبوت
 بدهد چه حقوق مشترک روس و انگلیس فقط در ایران
 است ولی پیش آمد واقعات موجوده ایران ثابت
 نمود که حقوق دولتین در آن مملکت متساوی شناخته
 نمی شود. از مرام لایکه دو کتاب بنام بنازیکی
 در معاملات ابراث اشاعه یافته با نظر عمیق
 دیده خواهد شد که روس از شناختن حقوق ما در
 ایران نعل می ورزد. نتیجه این شده که جریخ
 های دیپلماتی در ایران از چند ماه باین طرف
 قسمیکه باید و شاید صاف حرکت نمی کنند -
 نخستین ضرورت بنظر ما اینست صککه استقلال و
 آزادی ایران کاملاً برقرار ماند. ما را لازم است

که يك دولت بوشالی بين هندوستان و يك سلطنت
عسکری برقرار گذاريم و نیز رعایت جذبات عوام
اسلام هم بر ما لازم است. من این برتوی که نسبت به
شاه مخلوع بعد از مسودتس به ایران شده پسند
نمی نیام، من از بندوی دريك جهاز روس سفر
کرده که در آن اسلحه هم موجود بود ولی چون
در وسط آسیا رسیدم برای حل يك تنگ اجازة
مخصوص لازم آمد و بعد ما افسر نمودن آن فریبه
گردید. البته پارلمان معذور نخواهد ماند و قبکه
به پند موقع گذشته و سلوک روس در شالی
ایران مانند سلوکیست که در مرو و بخارا میناید
و نتواند دید که روسیه بجه خود را در شالی ایران
فرو برده است

بلا شبه این امر خیلی قابل اطمینان است که
دیده می شود ملک روس در شالی ایران
قدری تغییر یافته. من می دانم که دولت روس خیلی
معاذیر می آورد از علیحده ساختن قشون خویش
از شالی ایران ولی امیدوارست که وزارت خارجه
ما بیایب ایقانی در این خصوص برای اعضای
پارلمان بدهد، لارود موصوف الزام داد بوزارت
خارجه در احتیبار مسلکی که قبل از وقت کلاماً
در او دقت نشده و ناچار گردیده است که وقتاً
فوقاً مذذبانه کار روانی نماید. من وزارت خارجه
را تبریک می دهم که با روسیان متحد شده دویت
هزار لیره قرض به ایران دادند و چنان خیال می
شود که این مقدمه قرضه بزرگی است. سوالات
دیل را مخصوصاً از وزارت خارجه مینمایم

(۱) اگر واقعاً در زمانه قریب بدولت ایران
قرض داده خواهد شد کی و مقدار آن چقدر
خواهد بود؟

(۲) وزارت خارجه ما را اطمینان حاصل شده
است که اگر قرض بدولت ایران داده شود مقدر
به برقراری امنیت جنوب خواهد گردید؟

(۳) آیا عقیده وزارت خارجه ما در حفظ

منافع دولت خرد در ایران فقط این است که با ایران
همه قرض داده شود یا راهی دیگر هم در نظر
گرفته است؟

(۴) مسلک وزارت خارجه ما در تعمیر راه
آهن در ایران چیست؟ برای تعمیر راه آهن
ماورای ایران عذر من این است تا سرحد
خلیج به بیانه راه آهن روس تعمیر حکه به
قطعه نظر جنگی و تجارتی کمال حماقت معلوم
می شود اگر چنین رضایتی را دولت انگلیس
بدهد و اگر این راه آهن به بیانه مختلف ساخته
شود اقلآ باید تعمیر آت در اصفهان باشد و
بیانه راه آهنی که در حصه بیطرف ایران کشیده
خواهد شد نه باید به بیانه روس و هند باشد
یعنی ۵ فوت و ۵ و نیم فوت نباشد (۳ فوت يك ذر
باکه به بیانه ۴ فوت و نیم آنچه باشد که در غالب
عالم مروج است ۳ فوت يك ذرع و ۱۲ انچ يك
فوت است)

دوم اینکه هرگاه بنا است تعلقات دوستانه بین
دولتین انگلیس و روس باقی ماند لازم است که
دولت روس هیچ گونه عذری نه نماید در هرگونه
امتیازیکه دولت انگلیس در حصه بیطرف ایران
حاصل کند. گفته می شود که راه آهن حصه
بیطرف ایران بین المللی خواهد شد و حال آنکه لازم
است انگلیسی قرار گیرد

(نطق مستر بن سنی)

من راه آهن ماورای ایران را با کمال تردد
می نگریم - باید منافع تجارتی انگلستان و هندوستان
را در تعمیر این راه آهن کلاماً مذاقه و مراعات
تسلط جنگی هم بشود ولو اینکه ملاحظه فواید
ایران در این راه آهن از آنچه ذکر کردیم
درجه تاخر را دارد - ولی نباید کم بنداشت، در
جنوب غربی ایران مناقبیکه از راه آهن عایدتواند
شد بدرجهت بیشتر است نسبت براه آهن وسیع
حکه تا جنوب شرقی کشیده شود و طبیعتاً این راه
آهن تجارت ما را از سرحد خلیج تا اصفهان
و طهران زیاد تواند نمود. من این امر را تسلیم

می نمایم آن خوفیکه در آغاز افتتاح سنوی مجلس در معاملات ایران مارا دامنگیر شده بود امروز پیش آمده است. ابراه کابۀ بحال ابری دچار و تاکنون قشون روس در ایران موجود و این خوف می رود که مجدداً به هدایت روس شاه مخلوع بحکومت ایران استیلا جوید

(نطق مسز لاید)

مسز لاید اظهار داشت که راه آهن از این سر تا آن سر ایران مملو است از جرائم خوف و خطر برای هند و ایران و بسند می کنم راه آهنی را که سهوات در تجارت بخشد نه فقط برای حل پست. و این مجوزۀ راه آهن این سر تا آن سر ایران تجارتی نیست. با این امر این نکته را هم تصدیق مینمایم که ترقیات تجارت و فوسی و ملکی که در هندوستان نمایان است همیشه هندوستان از توسیع راه آهن محروم نتواند ماند. دیر یازود بنیاداً این تجویز پیش خواهد شد که هندوستان بذریعۀ راه آهن متصل با اروپا گردد. بر حسب معاهده روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷ هرگاه دولت ابراه رضایت دهد روس میتواند تا اصفهان راه آهن خود را تمدد سازد. برای تعمیر این راه آهن روس میتواند وجه از فرانسه جلب کند و ممکن است در خود روسیه هم این سرمایه جمع شود چه این راه آهن تجارتی و نافع است - و اگر روس چنین نماید بواسطه کمی مصارف حمل و نقل تجارت او ترقی خواهد کرد و مراکز تجارتن ایران را کاملاً بقبضه خود خواهد آورد و آب مقام را حاصل خواهد نمود که امروزه تجارت انگلستان و هندوستان دارد. و در آب موقع فشار هندوستان و انگلستان وارد خواهد آمد که تعمیر راه آهنی در جنوب بنماید تا موازنه وی در شاه باقی ماند. وغالباً آن فشار ما را این امر مرتفع تواند داشت. من همچون تصور میکنم که برای جلب امتیاز یکشعبۀ راه آهن در جنوب با دولت ایران مخاصره میشود و این شعبه راه آهن خواه نخواه منتهی بمركز خواهد شد ولی این تجویز چه

نیجۀ بخشیده است نمیدانم؛ تا جائیکه من مطالب آمیخته این مجوزۀ پیشرفت نخواهد نمود. نظر بوجه مذکوره من تا آندرجه مخالف نیستم که دیگران با مجوزۀ راه آهن این سر تا آن سر ایران مخالف اند. بهر صورت ما راست که همواره منافع اروپا و هندوستان خودمان را مد نظر داشته باشیم. ما این نکته را هم باید در نظر بگیریم که بواسطه راه آهن هیچ گونه خلی در آزادی و استقلال ابراه روی ندهد. امری از همه این است که نباید در این مجوزۀ راه آهن اصولی اختیار شود که در منچوریا پیش آمد. چنانچه بواسطه معافین پلتیکی راه آهن مملکت منچوریا از چین مجزی گردید -

(نطق سر وایسن)

من کاملاً مخالف ام با مجوزۀ راه آهن ازین سر تا آن سر ایران. واقفاناً میگویم که این راه آهن جکی است نه تجارتی. مثلاً این راه آهن تا اصفهان دارای چه منفعتی است؟ مگر اینکه ضمانت عائدات آن بشود - سوال دیگر آنست که این راه یکی نفع رسان خواهد شد؟ من زیاده بر این درماده روس نمیکویم که قطع نظر ازین مجوزۀ او را اقتدار حاصل است که راه آهن خویش را تا اصفهان تمدد سازد و من کمن نمی کنم که ایران بتواند ضمانت سنگین این راه آهن را بخاید و فائده که برای انگلستان من مشاهده میکنم این است که پست و مسافرن معدودی که به هندوستان سفر مینمایند روزی چند زودتر نوانند رسید. از طرف دیگر در معاملات تجارتی هم کم و بیش نقصان عائد خواهد شد. این راه آهن نقصان به تجارت ما هم در سویز کنال و بجزیره احر که کاملاً بدست ماست تواند رسانیده پیش از همه ملاحظه حیثیت جنگی هندوستان است و خیلی قابل غور است برای سرحدی که ما فداکاریها نموده ایم از تعمیر راه آهن باید متحمل مصارف گزاف هم بگردیم. علاوه بر این راه دیگر هم هست که خیلی قابل تأیید است - من امید میکنم که حالت ایران خود بخود رو به ترقی گذارد و حصۀ بزرگی از قرضه که با ابراه داده شود باید

(جواب سرادورد گری وزیر خارجه)

عقیده من این است که کتبه در این موقع
میخواهد که اطلاعات خاص از نقاط مخصوص
تحصیل کنند نه اینکه طلب اطلاعات عمومی نسبت
به مساله خارجه میباید. از نقادهای لارد رونالدی
ظاهر میشود که معاهده روس و انگلیس بجای
نفع اسباب پیشرفت مقاصد روس شده است همین
گونه نقادها را دولت روس هم از جماعتی در مملکت
خود می بیند ، همچو تصور می کنند که معاهده
روس و انگلیس نفعش يك طرفه و دولت روس از
منافع بسیاری در مقابل نفع قبلی گذشته است ، نه
باید ملاحظه نمود که از معاهده روس و انگلیس
در ایران چه فایده حاصل گردیده بلکه باید غور
کرد که اگر این معاهده نشده بود حالات بدتر
نمی شد ؛ این نکته را باید تصور کرد که قبل از
معاهده ما روسیان را در شمال اقتدار کامل بود
با این هنگامه چنانکه در ایران پیش آمده هرگاه
این معاهده نبود دولت روس نفوذ خود را پیش
از پیش بر خهران ساری میداشت بلکه دولت
روس عملاً مالک شمالی ایران را الحاق می نمود
و اگر چنین امری پیش آمدی دولت روس راه آهن
خود را تا سرحد ما میرسانیدی بواسطه معاهده ما یا
دولت مشاراً الیها مسلک پیش قدمی خود را
در آسیا که همواره مدنظر داشت ترک گشته ، ملاحظه
نمایند حصه این معاهده که راجع به افغانستان است
با اینکه مشروط بامضای امیر بود و امیرامضا نه نمود
روس دوستانه از آن شرط صرف نظر نموده و عملاً
پایه بر آن معاهده گردیده است - وقتیکه معاهده
روس و انگلیس بطور کلیه دیده می شود و تصور می
کنند واقعات تشویش بخشی که در ایران پیش آمده
یا خواهد آمد نه فقط در ایران بلکه در کلیه
امور متعلقه بروس اگر این معاهده نشده بود
احساس می شد که يك چنین معاهده چه قدر
ضرورت بوده اگر چه بعض حالات و پیش
آمد ها غیر مطمئن است ، ولی هرگاه این معاهده
نشده بود غیر مطمئن تر می نمود ، اگر این معاهده
نشده بود روس را همیشه این خوف دامنگیر بود
که ما از انقلابات جنوبی ایران فایده گرفته و محل

مخصوص گردد در برقراری امنیت جنوب ، تا
جائیکه من می توانم از امور ایران بگویم امید افتتاح
مجلس در آینده نمی رود و ریفرم در صورتی در
ایران ممکن تواند شد که دولت ایران قوی باشد
و من امید می نمایم که وزیر خارجه ایقان دمد
در اطمینان معاملات آینده ایران خصوصاً در
معاملات جنوب که از دیر زمانی غیر مأمون است
(نطق مسز دیلن)

من ازین رو بحسبایه ایرانیان کمر بسته ام که
بدون هیچگونه تأییدات خارجی فوق عبودیت يك
حکومت متفرد را از گردش بدور انداخته اند.
دولتین انگلیس و روس راست که بر آنان بنظر
انصاف نگریده و آنانرا بخودی خود موقع نجات
بخشیده از آن ساعتی که ایرانیان موفقیت به تبدیل
حکومت یافته تا کنون روزی هم سکون و آرامشان
نگذارده اند ، دولت روس عمداً دولت ایران
را فلج ساخته و دولت انگلیس با کمزوری بحركات
روس تسلیم شده - هنگامههایی که دولت روس
بدست های پواتیکی مأمورین خود در ایران برپا
نموده دلیل و برهان عدم قابلیت ایرانیان جلوه داده
در انظار طالبان ایرانرا بتاریکی هنگامه طلبی نمودند
ساخته است ، الان مالک شمالی ایرانرا يك صوبه از
صوبجات روس باید گفت ، با این حال تکیه کلام ماست
که آزادی و استقلال ایرانرا محفوظ داشته ایم ، دولت
انگلیس اجازه داد که لغت و کاشته خاصی محمد
علی بحکومت تبریز مقرر آید چنانچه هر قدر گردن
فرازان ملی در تبریز بودند از دم تیغ گذرانید ،
من استقانه می کنم از سرادوردگری وزیر خارجه
که در بیانات خود ایقان قوی دمد با ایرانیان که
دولت انگلیس کاملاً بجای بند بمواعید اولیه خود
می باشد

(نطق مسز سائکس)

من مجوزه راه آهن این سر تا آن سر ایران
را مضر می بیند اوم و هیچگونه فائدی برای ایران
هم ندارد ، من چگونه به تأیید انگلستان و کالت تمام
که راه آهن از سرحد خلیج فارس بجانب شمال
کشیده و متصل راه آهن روس گردد تا مال التجاره
روس بسرعت در بازارگاه خلیج وارد شود

که بجواب این سوال نم گویم ، ولی اوضاع کنونی نمی دانم چگونه اجازه میدهد که برای يك قرصه بزرگی به شرایط پیشنهادی ایران توان پیش کرد ، شك نیست که ایران را ضرورت بوده و مستحق ولی تاوقتی که اطمینان حاصل نشود که وجوه استقراری محل خود صرف میگردد چگونه میتوان داد. افسران سویدی که از طرف دولت ایران مستخدم گذارده شد در تشکیل ژنداری جنوب مشغول اند ، بدون شبهه اگر وجهی بایران داده شود از طرف دولت انگلیس شرط خواهد شد که حصه از آب در برقراری امنیت جنوب صرف گردد .

لاردر رونالدی برشش نموده ~~ص~~ آیا در برقراری امنیت جنوب دولت انگلیس مسلکی جز قرض دادن اختیار نموده است ؛ در جواب میگویم ~~ص~~ دولت انگلیس فعلاً اعتبار مسلک دیگری را برای امنیت جنوب موثر نمیفهمد ولی در حقیقت باصول دیپلماتی ما کوشش خواهیم نمود برای تأیید افسران سویدی ، بوجهی که بدو ذکر کرده شده ما خواهش نداریم که برای برقراری امنیت جنوب نشون روانه کنیم

من باب مسئله راه آهن بیان نمود ، قبل از اینکه معاهده روس و انگلیس بشود این مملکت را خوف دامنگیر بود که مبادا روس در توسیع خود شالی خود راه آهنی از طرف سیستان یا داخله سیستان بکشد که اصولاً منجر به نقصان سرحدی بطریق جنسی گردد و عمده خوف این بود که مبادا بشهات رقابتی شاه طهران که تحت نفوذ روس بود امتیاز راه آهنی بروسیه بدهد که خیلی ما را زیان رسان کرد ، ولی معاهده روس و انگلیس يك دفعه چنین خوفی را از ما کاملاً مرتفع داشت ، بر حسب معاهده روس می تواند تحصیل برخی امتیازات در حصص شالی ایران بنماید ولی کاملاً مخالف با معاهده است اگر روس امتیازی در جانب سیستان حاصل کند ، تشریحاً میگویم که مناسب حال ایران نخواهد بود که همواره از ترقیات راه آهن محروم ماند و اگر يك دفعه ایران جنگل و غروب بود که هیچگونه باشند در آب زندگانی نمایند امریست جداگانه ، ولی چه توان کرد که ایران جنگل و بدون باشند نیست بلکه مملکتی است

منافع او گردیم و بقیناً شکایات سازش های پلتیکی پیش از پیش می گردید ، اگر چه فرق در تفصیل باشد و لیکن از جانبین شبهه برای يك لحه هم مابین دولتین پیدا نشده فقط این معاهده نه تنها سبب اتحاد دولتین گردیده بکه اسباب برقراری امنیت هم شده است ، و این بهای بمراتب صحیح تر از بهای آن است که مسر دین بیان نموده حصه صحیح تاریخی گذشته آن مملکت را صرف نظر کرده است ، واقعات صحیح را دانستن و رای قایم نمودن لازم است تا معلوم شود که این معاهده چه نتیجه بخشیده است

در بیان جواب سوالات لاردر رونالدی سر ادوردگری اظهار داشت که بمن الزام بیان ضد و نقیض داده می شود ، من بخودی خود تسلیم می نمایم ~~ص~~ که در یکی دو موقع و مسامحه از بیانات ضد و نقیض ظاهر شده ولی در مسلک دولت انگلیس در ایران هیچ گونه ضد و نقیضی پیش نیامده است ، دولت انگلیس همواره مخالف آن بوده ~~ص~~ که در جنوبی ایران دخالت عسکری بنماید ، ما فقط سال گذشته بر محافظین قونساخاها ما افزودیم ولی این افزایش برای این بود که ابقای داده شده بود که در شیراز جان رعایای انگلیس بمعرض خسر است ولی حکومت ما وظایف این محافظین را خیلی محدود قرار داده تا منجر بمرتدادن اردوی بزرگ نگردد ، شبهه نیست ~~ص~~ که مداخلت و امور تجارت در شالی ایران خیلی کم شده بواسطه اینکه قشون روس در آنجا به اشعار مضاعف از قشون انگلیس در جنوب زیاد تر بوده ، و این هم چنین است که اگر دولت انگلیس در جنوبی ایران ذمه داری خود را زیاد نموده و قشون بدان صوب گسیل می داشت خیلی زود راه های تجارتی باز و عامون میگردد ولی دولت ، تبعه ما کمال ناراضماندی را از اعتبار نمودن چنین مسلکی داشت ، اگر چه اولاً این مسلک سهل می نمود ولی طاقت منجر به مشکلات بزرگ می گردید ، مسلک دولت انگلیس همواره این بوده تا هر قسم که باشد مداخلت دایمی ولو در جنوب ایران باشد نشود ، از من سوال شده است که آیا قرصه بزرگی در این قرب زمان بایران داده خواهد شد ؛ خواهش من این است

قابل الترقی، لذا ما نمی توانیم معاهده روس و انگلیس را این بگوییم که ابدأ راه آهن در ایران تعمیر نشود هیچ شبهه نیست بلکه راه آهن محرمه راهی است بسیار پسنیده و روس را نیز خیال تعمیر راه آهن در ایران هست او نیز میخواهد تجارت خود را از شمال تجاوز دهد چنانچه خواهش ما این است که تجارت هندوستان را از خلیج بطریق محرمه زیاد نمایم و این امر بر من روشن است که دیر یا زود راه آهن در ایران تعمیر خواهد شد، و بدون شبهه این راه آهن برای ایران نافع خواهد گردید. برخی چنین گفته اند که برای این راه آهن محافظین خارجی معین خواهند گردید و همچنین گفته میشود که بدین وسیله تجاوز بمقوق استقلالیه و حکمرانی ایرلند خواهد شد، ولی عقیده من این است که برای دولت ایران بدون تعمیر راه آهن حکمرانی کاملاً خصوصاً برایلات جنوب نصیب نخواهد گردید و ایران هاره بی اکام و در حال نیمه تنگامه که همیشه مانده خواهد مانده، لذا اگر بنساست که ایران یک دولت ترقی یافته و سلطنت منظم شود خواه خواه زود یا دیر راه آهن در آفت باید تعمیر بشود. و پس از اینکه راه آهن در ایران تعمیر شد لا محاله این سوال پیش خواهد آمد که متصل بر راه آهن هندوستان گردد و همان آنیکه معلوم شد امکان اتصال راه آهن بهند، ممکن نیست جلوگیری از آن بتوان نمود، از جهات است که وقتیکه خیال راه آهن از این سر تا آن سر ایران بخاطر بعضی خطور نموده اصولاً انکار ما از آن امکان نداشت و ما هرگز نمی توانیم چنین راه آهنی بری را برای هندوستان همیشه انکار کنیم چه اعتبار چنین مسلکی برای حکومت ما مافلا تصور نخواهد شد، بدین جهات اراهیج عذری نتواند بود به کتبه دی ایودوس که بنقطه نظر اقتصادی و مالی انستنه را تحقیق کند سر و برتن برش نمود آیا بدون ضمانت چنین راه آهنی تعمیر تواند شد؟ جواب میگویم که حکومت ما پای بند به هیچگونه ضمانتی در این خصوص نیست و اگر حکومت حالیه یا حکومت آینده ما چنین تجویزی نماید که ضمانت باین راه آهن داده شود - اول وظیفه او این خواهد بود که بدارالشورای ملی پیش نماید و حکومت ما بطریق وضوح ظاهر داشته که

هرگاه این تجویز پیشرفت نماید تمام احتیارات و انتدارات خویش را محفوظ داشته، در آفت - صورت نمایند خواهد نمود - حکومت ما به کتبه دی اتودوس اظهار داشته که ولو اصولاً این راه آهن را منظور می نمایم ولی تمام شروط آزادی خودمانرا برای اننظام و تعمیر آن راه محفوظ خواهیم داشت، حکومت ما محفوظ داشته است راهی خود را من باب تعمیر راه آهن و تشکیل هیئت متعلمه و نمایندگی و منافع انگلستان و نرخ کرایه مال و مسافرین و مخصوصاً اختلاف پیمانه این راه آهن را و اگر این راه آهن ممکن تعمیر شد بر ما لازم خواهد آمد که من باب شاخه های این راه آهن در داخله ایران بادولت روس یک معاهده جدیدی بنمایم، در آن صورت اختیار خودرا بر راه های آهن جنوبی قائم گذارده مساوات تجارت خویش را خواستگار خواهیم گردید مسئله اختلاف پیمانه زایدالوصف اهم است و قبل از اینکه دولت ما خویشتن را پای بند بدین امور نماید در این مسئله کمال غور و فکر را خواهد نمود پس از اینکه کتبه (دی اتودوس) تصدیق نمود که تعمیر چنین راه آهنی ممکن الوقوع است و از کدام نقطه باید راه آهن تعمیر شود به پارلمان پیش خواهد شد، و نیز حکومت رضایت خودرا بر مجوزات خویش پیش خواهد نمود، من همیشه این نکته را مدنظر داشته ام که اگر امتیازی حاصل شود برای تعمیر راه آهن از محرمه باید به کبانی انگلیسی داده آید ولی اگر این راه آهن در منطقه نفوذ روس داخل شود ما نمیتوانیم امتیازش را مخصوص به انگلیسان نمایم، و من با نهایت غور در این امر فکر خواهم نمود که راه آهن جنوبی ایران چگونه بین المللی تواند شد من باب مغایره که با عثمانی در خصوص راه آهن بغداد میشود دولت ما خود را پای بند به هیچ شرطی نموده است، دولت عثمانی امتیاز راه آهنی به آلمان داده ولی آزادی خود را محفوظ گذارده است مگر در یکی دو شرط که راجع بر راه آهن ما بین بغداد است، برای حصه راه آهن بالای بغداد مغایره با دولت عثمانی میشود دولت آلمان هم کاملاً واقف است از مغایرات ما با عثمانی چه بالواسطه دارای اثرات منافع آلمان میباشد و دولت انگلیس حاضر است که بلا واسطه هم در این خصوص مغایره نماید، سردست

است ، باید گفت که چنانچه سرادورد گری نه تنها ایران بلکه خطرات عظیم را برای هندوستان هم فدای دوستی روس یا دفاع دشمنی آلمان قرار داده اند ، و حال آنکه بقیده سیاسیت نه بگندم ری خواهند رسید و نه بحرهای بصره و ناقت بجای نفع زیان از این مسلک خواهند یافت ، و سالی چند نخواهد گذشت که روس و آلمان بر خلاف دولت انگلیس در وسط آسیا متحد خواهند گردید

اما مسئله راه آهن بقیده ما اگر استقلال ایران کاملاً محفوظ ماند و اساس امتیاز آن عملاً بر بین المللی قرار یابد و بار ضمانت مالی به خزانه ایران وارد نگردد و مستحظین این راه آهن هم در جمیع نقاط ژندارم ایرانی مدین شود و حصه از سهام آن هم حق ایران گردد البته بحال ایران نفع رسان تواند بود ،

پس خیر خواهان ایران راست که اساس مخالفت خود شان را بر روی راه آهن نگذارند بلکه جدیت بر تمامیت استقلال و آزادی ایران بر حسب عهد نامه دولتین نمایند ، چه اگر مستقل و قوی ماند هیچ گونه زیانی از این راه آهن ایران هندوستان وارد نتواند آمد ، و برعکس اگر ایران مستقل و قوی نماند ولو راه آهن هم ساخته نیاید هر آن خطرات برای هند محسوس خواهد گردید ، ما با جناب سرادورد گری در این عقیده متفق ایم که ازین وجه تا دیر باز ایران بدون راه آهن نتواند ماند زیرا که تا یکی دو سال بعد راه آهن بغداد را کیانی آلمانی مخاضین میرساند ، و از طرف دیگر روس هم راه آهن خود را تا جلنا و آستارا رسانیده ، چگونه ممکن است که این فاصله بین باوجود معاهده پورتندهم از میان مرتفع نگردد - همین که يك شعبه راه آهن در مملکتی کشیده آمد بدون شبهه شاخهای او باطراف وسعت خواهد یافت - پس جلوگیری از این پیش آمد طبیعی محال و احقانه است - باید اساس کار که دفع خوف و خطر از هندوستان است نمود یعنی کوشش در تمامیت استقلال ایران و تقویت آن کرد و پیرامون امر محال نگردید

اساس مذاکرات در این است که آیا ما تسلیم میباشیم اضافه گمرکی را که عثمانی خواهند داد؟ برگترین خواهش دولت ما این است که بین ما و عثمانی بقسی تصفیه یابد که وضع اولیه حلیج فارس کما کانت بر قرار ماند و وقتی که مخازرات بجان منجر شد نتیجه آن را ظاهر خواهیم داشت ، ابقان می دم که پای بند بر هیچ کیانی و هیبتی نیستیم و نخواهیم بود که راه آهن از بصره تجاوز نماید -

(ان کرال ایت)

بحسب ادلاییکه از ایران بمن رسیده خیانت و بی دینانی در کبیه نقاط ایران کسب عمومیت نموده یکی بعد دیگری وزیرای ملی ایران گرفتار بد اخلاقی خویش میگردد و فعلاً ایران نمیتواند به پای خود بایستد و اگر ما که همسایه او هستیم او را تأیید نمائیم و نگرانی نکنیم قطعه قطعه خواهد گردید ، و اگر روس و انگلیس تأیید او را نمی نمودند از دیرباز قطعه قطعه شده بود

(بیان سر ریس)

من برش میباشم آیا از نطق سر ادورد گری وزیر خارجه ظاهر میشود که راه آهن از این سر تا آن سر ایران را که روسیان میخواهند بکشند تجارتی است یا نه ؟ من همچو تصور میکنم که در مرکز تجارتی روس مسکو این خوف دامنگیر شده که این راه آهن جنگی است نه تجارتی -

(جبل المتین)

بیانات خیر خواهان ایران در پارلمان انگلستان و الزاماتیکه بحسب سرادورد گری داده شده تمام مبنی بر اصول صحیح است و هر قدر جناب سرادورد گری بخواهند آن الزامات را از خود مرتفع دارند ممکن نیست و در حقیقت فرمایش جناب سرادورد گری هیچگونه صحت عملی را نمی نمایند - چه تصور نمیشود آنچه روس نموده اگر معاهده نشده بود بیشتر میکرد ، بقول جناب سرادورد گری از دیر باز خود روس در شمال ایران بالا گرفته - آیا در این مدت مدید حرکات مداخلت کارانه که روس از بعد این معاهده کرده ، نموده بود ؟ بی این جواب های سرادورد گری برای اسکات ، منرضین و قرار از میدان و پرده پوشی بر روی سبوح های سیاسی خود

واقعات چشم دید تبریز

بعد از آنکه هیئت وزراء سابق بحساب
مخبر السلطنه ایالت آذربایجان سخت گرفتند آنچه را
که بتصویب انجمن مقدس بطهران اظهار کرد وزراء
برضد او کوشیدند. کم کم وادار کردند حکام جزء را
که سر از اطاعت حکومت در بیچند. اول کسی که بنای
مخالفت را گذاشت صمدخان بود که مستقلاً بطهران
رجوع کرد اصلاً وابتدا بحاکم تبریز اعتنائی نداشت.
ایالت آذربایجان ملاحظه کرد که خیال هیئت وزراء
این شده که او را بی آبرو کرده در کمال افتضاح
از تبریز بیرون برود قبل از وقت استغنا داده
و فوراً قبول شد. دو ماه قبل ازین واقعه چند
نفر از شاهزادگان طهران که در زمان استبداد
کاسه لیس در خانه شجاع السلطنه بودند بریاست امان الله
میرزا مامور ریاست نظام آذربایجان شدند. قبل از ورود
اینها ایالت بکروز آنچه از سرباز و توپچی و سوار
بود معین کرده که در خرج شهر تمایزی ندهند
انجمن مقدس و ایالت عظمی و سایر اعیان و
اشرف بلد حاضر بوده چنان نمائشی دادند که تصدیق
دوست و دشمن بیست سال است صحنه آذربایجان
چنین نمائش لشکری بخود ندیده بود. بعد از ورود شاهزادگان
اول کاری که کردند سرباز و توپچی که در این
چند سال امتحانات خود را داده و فعلاً بر مشق و
با استعداد است در کمال فلاکت اینها را بی حیره
و موجب مرخص و از آلت طرف سرباز تریاک
و معان و گرگانی احضار بشهر کردند. در این بیچ
ایالت آذربایجان بسرف اروپ و بسیار شد
علامه الدوله را از طهران برای حکومت معین کردند
از آنجا که بعد از فتح طهران قونسل روس در
تبریز مکرر گفته بود که اگر در این دوره جدید
علامه الدوله را بشا حاکم دادند و آمد. قشون روس
از آذربایجان خواهد رفت. چون حال علامه الدوله
بر همه معلوم بود و روس هم که اول امر مایل
بود بآمدن او لذا اهالی آذربایجان حکومت او را
پذیرفتند شاهزاده ضیاء الدوله که رئیس قشون و از
رف علامه الدوله هم موقتاً نایب الحکومه شد با اهالی
تبریز محرمانه میگفت که علامه الدوله چنین و چنان
است اگر آمد تخم مشروطه را خواهد برداشت
دوماه تبریز باین حالت گذشت تا اینکه خود

علامه الدوله در طهران استغنا داد و شاهزاده عین الدوله
بجای او معین شد. اهالی از تعیین عین الدوله
خوشحال و خرم شدند ولو در چهار سال قبل
آنچه از دست ایشان آمد کوتاهی نکردند لکن
هر چه هست مسلمان و ملکات خواه و وطن دوست
است و با دشمن همدست نیست.
علامه الدوله شاهزاده امام قلی میرزا را به نیابت
حکومت برقرار کرد تا تهیه خودش را دیده به تبریز
بیاید. در این اثنا شاهسون بنای شلوغ کاری را
گذاشت. و دهات را تاخت و تاراج کرد صمد خان
از طهران بدون اطلاع حاکم تبریز و انجمن مامور
شد که رود سراب و جلوگیری از اشرار شاهسون
نماید آنچه سواره کرد و دزد و اشرار تبریز که
سالمای دراز آنها را تربیت کرده بود برای چنین
روزی به همراه خود برداشته عازم سراب شد. آنچه
سرباز و توپچی تریاک و مخماری بود ضیاء الدوله هم از تبریز
عدد صمد خان فرستاد عده کثیری از مجاهدین بریاست
ابراهیم بك هم عازم سراب شدند برای جلوگیری
از اشرار در سراب چون خیال صمد خان را
فهمیدند که آمده است سراب که آنچه اشرار
و الواط و دزد و غارتگر که در آذربایجان است
همه را بدور خود جمع کرده و از تبریز هم آنچه
قور خانه و توپ و تفنگ هست همه را باین بهانه
بطرف خود جاب و همین که عده اشراکام شدند
یکدفعه بی خبر به تبریز حمله پیارودند. ابراهیم بك
با مجاهدین که در آنجا بوده همین که از اخبار
او مطلع شده شبانه فرار کرده و عازم شهر شدند
در راه دیدند قور خانه و توپ و تفنگ زیادی
شاهزاده ضیاء الدوله برای صمد خان می فرستاد
شده آنها را با خود شاف بشهر خود دادند
رؤسای اشرار ایلات که دور صمد خان جمع شده
بودند همین که دانستند عین الدوله عازم تبریز است
نزدیک بود که از اطراف صمد خان مشرق شوند
صمد خان بجائی که باید خبر ندهد داد. فوراً
روس اندامات خود را کرد. جداً از نایب السلطنه
و سردار اسعد عزل عین الدوله را خواست فوراً
قبول کردند. روس بصمد خان اطلاع دادند که مانع
برداشته شد صمد خان به تمام رؤسای ایلات اطلاع
داد که عین الدوله معزول ومن بحکومت تبریز نامزد

شدم، هر جا هستید سه روزه نزد من حاضر شوید که تبریز برویم. اعیان مستبدین و طرفداران روس که در تبریز بودند آنها بتوسط قاصد مخصوص به تمام ایلات و عشایر کاند نوشند که عین الدوله آمدنی نشد و صمد خان بجای او برقرار شده اسیاعت او را بکنید، در مدت یک هفته جمع کثیری اطراف صمد خان جمع شدند و او با این جماعت عازم تبریز شد. همین که مطلب کشف گردید مجاهدین تبریز در صدد سنگر بندی اطراف شهر شدند. شاهزاده امام قلی میرزا که دانست عین الدوله آمدنی نشد او هم عازم وطن خودش که اطراف ارومی باشد شد. لکن خواست ازین مأموریت موقتی بی فیض نماند باشد زیاده از بجه تفنگ املای دوتی با فورخانه زیاد همراه خود برد. اینها را از او گرفتند. بعد معلوم شد که ایشان اینها را برای صمدخان می بردند که باو برسانند که صمد خان بد از آمدنش به تبریز مالیات سه ساله که نزد ایشان است و تا بحال نداده مطالبه نکند.

باری صمد خان که نزدیک بشهر رسید هیئت مرکب از علما و اشراف و دو نفر از اعضاء انجمن به نزد او رفتند که مقصود او را بدانند بعد از ملاقات دیدند که او بدستور العمل روس و امضای چند نفر از وزراء طهران آمده و هنوز خودش نمانده چه پیش خواهد آمد محمد علی میرزا از اسرآباد - مجمل از اردبیل سالارالدوله از کرمانشاه و جمعی از خا و رامین و جمعی دیگر از مازندران.

صمد خان اولاً با لذات برای جلوگیری از اهالی تبریز مأمور بوده که در سراب راه را بگیرد مابنا عده از مجاهدین برای جلوگیری از محمد علی میرزا بطهران بروند. همین که مجمل از اردبیل رسید و شاهسون اطاعت از مجمل کردند و چند نفر از مشروطه طلبان اردبیل را گرفت و کشت و حبس کرد و بعضی فراری شدند معلوم شد که تبریز این قدر قوه ندارد با این اکثر دشمن هم خود داری کند. هم بطهران مدد فرستند. لذا نقشه روس عوض شد صمد خان مأمور شد به جنگ اهالی تبریز قبل از آنکه از طرف صمد خان اقدامی بشود بلکه برده از روی کار برداشته شود قونسل روس

باجمن ایالتی اظهار کرد که در کنار شهر نخواهم گذاشت دعوا بکنید بروید بیرون در یک فرسخی شهر با صمد خان دعوا کنید، جواب دادند ما باو دعوا نداریم اگر صمد خان خواست هجوم بیاورد ما دفاع خواهیم کرد. قونسل گنت این قدر بداند اولاً در حدود شهر نخواهم گذاشت دعوا بشود ثانیاً دست هر کس از اهل شهر سلاح به بیم نخواهم گرفت. مگر آنکه تمام مسلحین یک رخت و یک لباس و یک کنش و یک کلاه داشته باشند

در آن وقت که کار بر اهل شهر این قدر سخت بود فوراً کسی را فرستادند به تپلیس مقدار زیادی پارچه بنه زرد رنگی آوردند برای لباس مجاهدین یک نفر خیاط مجاهد با چند نفر شاگرد در عمارت دولتی شب و روز مشغول دوختن رخت شدند ز آب کلاه دوزان شهر یک کلاه دوزی مشغول شدند قریب بیست روز زیاده بر هزار دست لباس کلاه کنش و سایر لوازمات برای مجاهدین دوخته و حاضر شد. لکن اگر روس این محکم را نکرده بود عده مجاهد سه برابر میشد، چون جمع زیادی از ناجر زاده و سایر طبقات مردم بودند که برای مدافعه حاضر بودند لکن با لباس خود شان نه بالباس رسمی که انگشت های خلق باشد. فرض روس ازین کار این بود که عده مجاهدین کم باشد و صمد خان غالب آید. روز بیست و یکم ماه رمضان که شب او را مردم احیا داشته و بعد از نماز صبح خوابیدند صمد خان بشهر حمله آورد. مجاهدین از سنگرهای خود شان دفاع میکردند بجه نفر قزاق روس از بیغ شمال درآمد خودشانرا در وسط میدان دعوا حاضر کردند و اظهار داشتند بسنگرهای مجاهدین که ما اطلاع دادیم که در شهر نباید دعوا شود مجاهدین که کار را سخت دیده علناً اظهار داشتند اگر امروز کسی مانع از دفاع ما بشود ما با او هم دفاع خواهیم کرد. رئیس قزاق دید اگر جدا بخواهد مانع شود مجاهدین آنوقت مجبور خواهند شد با آنها هم دفاع خواهند نمود علاوه بر آن کار بر اهل شهر سخت شده نباید همه مهیا و حاضر بردفاع گردند. از این حیثان منصرف و برگشتند آنروز تا غروب آفتاب دعوا بود از طرفین جمع کثیری مقتول شدند. شب

وا صمد خان مراجعت بمحل خود نکرد در نزدیکی شهر دهی است (بانج) نام در آنجا ماند ، اگرادی که همراهش بودند شب ۲۲ ماه در آمده با اموال و اعراض مسلمین چه کردند خداداد. این قدر هست که روز ۲۲ تمام اهالی این دهکده سر و پای برهنه علی علی گویان وارد شهر شدند، بنامی نداشتند مرحوم مفتور ثقه الاسلام . اب نراه به تمام این ها لباس و سائر لوازمات فراهم آورد ، روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ هم باز حمله بشهر آورده و مجاهدین از هبجده سنکر که اطراف شهر بسته بودند مدافعه کردند جمع کثیری از دشمن کشته شد

روز عید مسلمین صمد خان و همراهانش چنان دعوائی کردند که میتوان گفت روزگار در خودش چنین روزی را ندیده است مغرب عید دعوا بر طرف و صمد خان مایوس شد از ورود و غلبه بر تبریز، راه آذوقه را چنان باهل تبریز سخت گرفتند که احدی از خارج نتوانست يك بار هیمه یا ده من گندم بشهر بیاورد، آقایان محترمین از قبیل میرزا حسن و امام جمعه و سائر اعیان وقت را فرصت شمرده در اطراف شهر آنچه گندم وجود داشتند بر عابای خارجه فروختند، آنها بعد از تحویل گرفتن بدون مانع و حاجب شهری آوردند و بقیمت اعلا می فروختند صمد خان دید باین وسیله بشهر آذوقه میرسد تمام اینار هائی که در دعوات بود غله آب ها را تصرف کرد ولو برعیت خارجه فروخته بودند در این جا روس ابداء حرف نزد که گندم مال برعیت من است از صمد خان مطالبه نمایند چون در مقصود با صمد خان شریک بود که با اهالی سخت بگذرد

شرض دو ماه شوال و ذی القعدة کار بر اهل شهر خیلی سخت شد و خود صمد خان در باسنج که دو فرسخی شهر باشد نشسته تمام بزرگان و اعیان آذربایجان را بتلکرافات جعلی و بتدروس با اطراف خود جمع کرد، در مرید پسر بجاع نظام باعد مجاهدین در زد و خورد بود در قره داع و شهید الملك در مقابل مجاهدین ایستاده مانع از آمدن به تبریز می شد، تا روز عرفه که اول تپانوم روس خبرش به تبریز رسید اهالی مضطربانه

از دحام به انجمن کرد، تمام طبقات از علماء و اعیان بدستور العمل روس در انجمن حاضر و رای دادند، در این موقع دیگر حرف مشروطه و استبداد نباید بزبان آورد الان مقابله کفر با اسلام است خوب است همگی دست بدست داده صمد خان و سائر مستبدین که مطرود و در خارج شهرند بطالبیم، صدا بصدا داده بطهران جواب بدهیم که ما اهالی تبریز متفق القول و الکلمه حاضریم در دفاع کردن با روس ورد کردن اول تپانوم او را

بالجمله عصر روز عرفه در انجمن مقدس ابالی اجتماع غریبی شده بود و مستبدین شهر از هر طبقه چنان اظهار محبت و مهربانی با اعضای انجمن و مشروطه خواهان میکردند در مقابل عوام الناس و متفق السکلمه اظهار میداشتند که انجمن خوب است جمعی از بزرگان مشروطه خواهان را الآن فرستند نزد صمد خان او را و حاج میرزا حسن و میرزا کریم امام جمعه را بشهر بیاورند، فوراً آن کسانی که این رای را اظهار داشتند بدون تأمل و تفکر ده نفر معین کردند با درشکه خودشان عصر عرفه بطرف واسنج حرکت دادند، نگذاشتند انجمن مقدس در این کار فکری بکند و با وزرا و وکلای دارالشوری مشورت نماید، اگر در آن موقع يك نفر از مشروطه خواه واقعی حرف میزد که آقایان صبر کنید تأمل و تفکر نمایید این ده نفر که شش نفر آنها که معلوم الحال یعنی گرگند و به لباس میش و الا آن دارند برای روس خدمت میکنند، دو نفر از اعضای انجمن و دو نفر دیگر که بطرفند همراه این ها میروند

آیا به بینیم این ها بصمد خان چه خواهند گفت؟ او را بچه عنوان بشهر خواهند آورد؟ و اینهم باید در اینجا معلوم بشود که با يك پروگرام صحیح آقایان عشره از این جا حرکت بکنند، مسلم است همان ساعت قائل این کلام را در انجمن بقتل می رسانند، شب عید قربان اعضاء انجمن بدور هم جمع و مشغول مذاکره شدند، دیدند بدون تأمل و فکر این ده نفر که رفتند صحیح نبوده چون در این ده نفر همه جور اشخاص بوده که در آن جا همراهی نخواهند کرد، علاوه بر این صمد خان

اگر باین حالت بیاید این جمعیت اگراد شاهسون و عارت گرهلی آذربایجان که همراه او هستند در این چند دعواتی که شده از طرفین کشتار زیاد شده بورود شهر اگراد با مجاهدین طرف خواهند شد در سر منزل و گاه و جو و نان تولید فساد بزرگی خواهد شد که میتوان از عهده او درآمد، روز عید قربان وقت صبح با تلنون از شهر خیر دادند یک نفر از آن ده نفر که بحسب طاهر بی طرف و ظاهر المصالح بود بدین مضمون « شما با حاج میرزا حسن مجتهد مذاکره کنید اگر امروز صمد خان با این جمعیت که همراه دارد وارد شهر شود در حالی که سه ماه است شهر محصور است نان و جو و غله یافت نمیشود کار برمرور سخت است » خود صمد خان امروز با سیصد نفر وارد و بقیه سوار فردا یا پس فردا بتدریج بیاید تا در این دو روزه از اخلاف تدارکات علوفه برای اینها فراهم شود، از آنجائی که فطرت حاج میرزا حسن بر تمام مسلمانان معلوم است این مطالب را چنانکه بصمد خان گفت که او را مثل آتش کرد و به جن مسلمانان انداخت خلاصه صمد خان و امه کرد از اهل شهر و بیامد حاج میرزا حسن و امام جمعه هم تبعیت رده نیامدند بعد از این فقره از روز یازدهم ماه دیججه تعدیات روس نسبت با اهالی تبریز شدت کرد و در کوچه و بازار سالدات و قزاق دست تندی به ناموس مسلمین دراز و بملا و سید و کسبه و اصناف جبارت و شرارت کردند در این ضمن تلگراف نصیحت آمیز از نجف اشرف از حجج اسلام رسید برای صمد خان به او امر نکرد، جوابی که داد فقط برای سید محمد کاظم یزدی بود آنها به املائی حاج میرزا حسن تبریزی تلگراف دیگر از انجمن سعادت اسلامبول رسید، تلگراف دیگر از همدان از حاج شیخ محمد باقر مجتهد باینها جواب داد.

روز بیست و یکم ماه خیر فوت مرحوم مغنور حجت الاسلام و آیه الله خراسانی رسید که اسلام و اسلامیان از این مصیبت عظمی دوه شکست مجالس فاتحه در تبریز منعقد لکن در باغ شمال که اردوی روس و در باسنجج که اردوی

صمد خان جشن و شادبانه روز بیست و ششم ماه دویست و بیست نفر سالدات از راه اودیله وارد شهر و این عده در باغ نرفتند در دو کاروانسرا که مقابل سر از خانه دولتی بود منزل سکردند بعد از آمدن اینها و منزل کردن شان در وسط شهر بر تعدیات خودشان افزودند کار سخت شد و اهالی - شب بیست و نهم ماه ساعت سه از شب چند نفر سالدات آمدند با اداره نظمیہ خواستند داخل شوند، نظمیہ مانع شد، فوراً دو نظمیہ را بقتل رساندند بقیه فرار کردند، همان شبانه تمام ادارات دولتی از قبیل نظمیہ و بلدیہ و دیوانخانه عدلیہ و شمس العارۃ و محل حکومت و انجمن مقدس و تلگراف خانه و چاپخانه و کارگذاری که تمام اینها نزدیک هم بود روسها تصرف کردند، صبح روز بیست و نه ماه تمام محلات شهر و تمام سر چهار راه و سایر جاهائی که محل عبور عامه ناس است سالدات و قزاق با سلاح ایستاده بود بسابرین اذیت میکردند، جیب او را دست میزدند عبا و کیسه پول او را برمیداشتند بالای بام دوکاروانسرا رفته بودند و بشهر تفک اندازی میکردند دو نفر را روی بل میرزا خرقه و سه نفر در خیابان مجید الملک بضرر گلوله بقتل رساندند، طاقت اهالی تبریز از تعدیات سه ساله و شش ماه و بیست و یکروزه آخری اینها طاق شد، صدای توپ و تفک از طرفین بلند شد صمد خان در این ضمن چند نفر از اگراد فرستاده بود بیایند از طرف خیابان بشهر اگراد برفتند در سنگرها مانع میشوند بر کردند و الا غارت کنان وارد شهر شوند در سنگر شش نفر از اگراد اسیر دست مجاهدین شدند، غرض روز بیست و نه از ساعت یک از آفتاب الی ساعت یک از شب دعوائی سخت بود از طرفین کشته شد، مجاهدین غیور در حفظ بانک شاهی و استقراضی و کاروانسراهای تجارتی کمال ایستاده کرا کردند، لکن سالدات ناخوب همان شبانه تمام ادارات و انجمن ایالتی را غارت و تاراج کرده بودند، خاصه در عدلیه اعظم که زیاده بر پنج هزار اسناد شرعی و عرفی در تمام محاکم اعم از بدایت و تجارت و استیناف بود تلف کردند، کار خانه حسن آقا گنجینه که از تبعه روس است